

علائم ظہور

وقتِ ظہور



ناظرین ناظرین

تالیف: سیّد محمّد باقر نجفی

وقت ظهور و علامات ظهور

و تاریخچه مسجد جمکران و اعمال در آن

تالیف: حجة الاسلام سید محمد باقر نجفی یزدی



انتشارات ناظرین

مؤسسه انتشارات ناظرین

نام کتاب: وقت ظهور

تالیف: سید محمد باقر نجفی یزدی

چاپ اول: اسفند ۱۳۸۱

تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۹۴۴۸۴-۹-۷

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

مرکز بخش:

قم - خیابان معلم، مقابل بیت امام «ره» انتشارات مکتب اهل بیت و ناظرین

تلفن: ۷۷۳۲۶۳۴ - ۲۹۳۲۶۲۱ - ۷۸۳۰۰۵۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و
المرسلين و على آله الطيبين الطاهرين
و لعنة الله على اعدائهم اجمعين
ظهور و قيام امام زمان «عج»**

عنوان اول: وقت ظهور

علامات ظهور حضرت صاحب الزمان (ع) از قرآن مجید و روایات
اهل بیت

خداوند عالمان در قرآن مجید سوره بقره آیه (۱۵۵) میفرماید. و
لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاحوال و الانفس و
الثمرات و بشر الصابرين

یعنی البته ما شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصانی از اموال و
نفوس و آفات زراعت آزمایش و امتحان میکنیم و صبر کنندگان را
بشارت بده.

از کتاب کمال الدین صدوق است محمد ابن مسلم میگوید من از

(حضرت) امام جعفر صادق (ع) سوال کردم که آیا علامات از طرف خدا برای مؤمنین هست گفتم قربانت گردم آن علامات چیست فرمود قول خدای عزوجل است که فرموده لنبلونکم یعنی شما مؤمنین را قبل از خروج قائم امتحان خواهیم کرد بشئی من الخوف یعنی بخوف و ترس از پادشاهان بنی فلان در آرخ سلطنت آنها و الجوع یعنی گران شدن نرخها و نقص من الاموال یعنی کساد تجارتها و کمی فایده والا نفس یعنی مرگ سریع و الثمرات یعنی نقصان زراعت و بشر الصابرين یعنی در آن موقع صابرين را بتعجيل فرج قائم بشارت بده. پس امام صادق (ع) فرمودند اين تاويل (آيه شريفه) است خدای عزوجل ميفرمايد تاويل آنرا کسی نمیداند مگر خدا و کسانی که راسخ (و ثابت) در علم میباشند. (۱۳ بحار)

۱- وقتی برای ظهور آنحضرت معین نشده

از کتاب غیبت نعمانی است که ابوبصیر گفت از حضرت امام جعفر صادق (پرسیدم و گفتم قربانت گردم خروج قائم (آل محمد) چه وقت خواهد بود؟ آنحضرت فرمود: ما اهل بیت (پیغمبر) وقت برای آن معین نمیکنیم و بتحقیق که رسول خدا فرموده است آنها که وقت آن رامعین می کنند دروغ می گویند بدرستی که پیش از خروج قائم پنج علامت است اول صدای آسمانی در ماه رمضان دوم خروج سفیانی سوم خروج خراسانی چهارم کشته شدن نفس زکیه پنجم فرو رفتن زمین در بیابان بیداء (که نزدیک مکه است)

وقت ظهور ۳

پس از آن فرمود لابد است که پیش از خروج قائم دو طاعون پدید آید یکی طاعون سفید و دیگری طاعون سرخ گفتم قربانت شوم طاعون سفید چیست و طاعون سرخ کدام است، فرمود طاعون سفید مرگ سریع است و طاعون سرخ شمشیر (یعنی جنگ و خونریزی) و قائم خروج نمی کند مگر آنکه در شب جمعه بیست سوم ماه رمضان از وسط آسمان منادی نام او و نام پدرش را بگوید گفتم چگونه منادی نداء می کند فرمود می گوید آگاه باشید که فلانی پسر فلانی قائم آل محمد است کلام او را بشنوید امر او را اطاعت کنید پس هیچ صاحب روحی نیست مگر آنکه این صدا را می شنود آنها که خوابیده اند بیدار می شوند و از اطاق بحیاط خانه می آیند و دختران از پس پرده بیرون می روند و همراه با آن صدا قائم (ع) خروج می کند و آن صدا صدای جبرئیل است.

۲- هرکس وقت ظهور را معین کند، دروغ می شود

از کتاب غیبت نعمانی است که ابوبصیر می گوید بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم قائم (آل محمد) چه وقت ظاهر می شود فرمود دروغ می گویند کسانی که وقت معین میکنند. ما اهل بیتی هستیم که وقت برای آن معین نمیکنیم پس از آن فرمود خدا چنین خواسته و غیر از آن نمی شود که هرکس برای آن وقتی معین کند دروغش ظاهر گردانید.

۳- و از کتاب غیبت شیخ طوسی است که فضیل بن یسار گفت از حضرت امام محمد باقر (ع) پرسیدم آیا برای این امر (یعنی قیام حضرت قائم (ع)) وقتی هست (که معین باشد) فرمود آنها که وقت معین

میکنند دروغ میگویند. دروغ میگویند.

۴- و از کتاب غیبت شیخ طوسی است که عبدالرحمان ابن کثیر می گوید در خدمت امام جعفر صادق (ع) بودم که مردی بنام مهزم اسدی آمد و گفت قربانت گردم این چیزی که انتظار آنرا میکشید (یعنی ظهور حضرت قائم (ع)) کی خواهد شد؟ آنحضرت فرمود ای مهزم طول خواهد کشید آنها که وقت برای آن معین میکنند دروغ می گویند آنان که برای ظهورش شتاب و عجله میکنند (یعنی می گویند چرا نمی آید) آنها به هلاکت میرسند و آنانکه تسلیم (امر خدا) هستند نجات می یابند و بازگشت آنها بسوی ما خواهد بود.

۵- و از کتاب کمال الدین صدوق است که نزال ابن سیره گفت حضرت (امیرالمومنین) علی ابن ابی طالب (ع) برای ما خطبه ثی خواندند و بعد از حمد و ثنای خدا، سه مرتبه فرمودند ایها الناس (هر چه می خواهید) از من پرسید قبل از آنکه مرا بیابید پس مردی بنام صعصعه ابن صوحان برخواست و گفت یا امیرالمومنین دجال چه وقت خروج میکند (مolf گوید چون خروج دجال مقارن با خروج حضرت قائم علیه السلام است شاید صعصعه میخواست از این سوال وقت خروج آنحضرت را بداند) پس امیرمومنان (ع) فرمود بنشین که خدا کلام تو را شنید و مقصود تو را دانست قسم بخدا که در این مطلب من از تو داناتر نیستم ولیکن برای آن علامات است (وآن علامات را بیان فرمود)

ساعت قیامت و ظهور امام را جز خدا کسی نمیداند

۶- مفضل گفت از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسیدم آیا برای (ظهور) منتظر مهدی (ع) وقت معینی هست که مردم بدانند فرمود خدا نخواسته که برای ظهورش وقتی معین کند که شیعیان بدانند گفتم ای آقا من چه جهت دارد فرمود بجهت آنکه ظهور او همان است که خدا تعبیر به ساعت کرده (ودرقرآن) فرموده:

یسئلونک عن الساعه ایان مرساها قل انما علمها عند ربی لایجلیها لوقتها
الا هو ثقلت فی السماوات والارض (سوره اعراف آیه ۱۸۷)

یعنی ای پیغمبر ما مردم از تو می پرسند که آن ساعت کی خواهد بود بگو فقط علم آن نزد خدای است و ظاهر نمیکنند آن ساعت را مگر خدا و آن مطلب سنگین (و پر اهمیتی) میباشد در آسمانها و زمین.

و خدا (درقرآن) فرمود عنده علم الساعه (سوره زخرف آیه ۸۵) یعنی علم ساعت نزد خداست و خدا نگفته نزد دیگری هم هست و خدا (درقرآن) فرموده ما یدریک لعل الساعه یکون قریبا یستعجل بها الذین لایؤمنون (سوره شوری آیه ۱۸) یعنی (ای پیغمبر ما تو چه میدانی شاید آن ساعت نزدیک باشد و کسانی که ایمان ندارند برای آمدن آن شتاب میکنند).

مؤلف میگوید اگر چه ظاهر از این ساعت که در آیات متعدده ذکر شده روز قیامت باشد ولی مانعی نیست که هر دو معنی مقصود باشد یا تاویل آن راجع به ظهور و قیام امام دوازدهم باشد چون قرآن ظاهر و باطن دارد و ممکن است استشهاد امام (ع) از تاویل این آیات باشد

۶ وقت ظهور

چنانکه در روایت دعبل خزاعی که در فصل بعد از این ذکر میشود حضرت امام رضا (ع) قیام آنحضرت را تشبیه بقیامت کرده فرمود مثل خروج او مثل ساعت (قیامت) است.

وقت ظهور آن حضرت مانند قیامت تعیین نشده

۷- از کتاب کمال الدین شیخ صدوق است که دعبل خزاعی گفت چون قصیده اشعار خودم را خدمت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) خواندم اول آن این بود مدارس آیات خلت من تلاوه. و منزل وحی مغفر العرصات و چون باین شعر رسیدم خروج امام لامحاله خارج، يقوم علی اسم الله والبرکات، یمیز فینا کل حق و باطل، و یجزی علی النعماء و النقمات (یعنی البته امامی خروج خواهد کرد که بیاری اسم خدا و برکات قیام میکند و حق و باطل را از یکدیگر جدا میکند و هر کسی را بخوب و بد اعمال جزاء خواهد داد)

چون این شعر را خواندم حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) گریه کردند گریه شدیدی و پس از آن سربلند کرده فرمودند این دو شعر را روح القدس بر زبان تو جاری کرده آیا میدانی این امام کیست؟ چه وقت خروج خواهد کرد؟ گفتم ای مولای من نمیدانم و فقط شنیده‌ام که امامی از شما (آل محمد) خروج میکند و زمین را از فساد پاک میکند و پر میکند زمین را از عدالت چنانکه از جور پر شده باشد.

حضرت رضا (ع) فرمودند ای دعبل امام بعد از من محمد فرزندی من است و بعد از او فرزندش علی است و بعد از او فرزندش حسن است و

وقت ظهور ۷

بعد از حسن، امام زمان، فرزندش حجت قائم منتظر است که در زمان غیبتش انتظار او را میکشند و در زمان ظهورش اطاعت او خواهند کرد و اگر از دنیا باقی نماند مگر یکروز خدا همان روز را طولانی خواهد کرد تا آن امام خروج کند و زمین را پر کند از عدالت چنانکه از جور پرشده باشد.

و اما اینکه چه وقت خروج میکند پدرم از پدرش و پدرانیش حدیث کرده که علی ابن ابیطالب (ع) فرمودند کسی از رسول خدا پرسید یا رسول الله چه وقت قائم از ذریه شما خروج خواهد کرد آنحضرت فرمود مثل خروج او مثل ساعت (قیامت) است لا یجلیها لوقتها الا هو ثقلت فی السماوات و الارض، ظاهر نمی کند آنها در وقتش مگر خدا و سنگین است آن در آسمانها و زمین (یعنی چیز پر اهمیتی خواهد بود)

هر کس وقت ظهور معین کند تکذیب کنید.

۸- از کتاب غیبت شیخ طوسی است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود دروغ میگویند کسانی که وقت معین میکنند ما (ائمه) در زمان گذشته و در آینده (هیچکدام از ما) وقت برای ظهور امام دوازدهمی معین نکرده و نخواهیم کرد.

۹- و از کتاب غیبت شیخ طوسی است که حضرت امام جعفر صادق (ع) بمحمد ابن مسلم فرمودند هر کس برای تو وقت معین کند ترس که او را تکذیب کنی زیرا ما وقت معین کننده نیستیم

۱۰- و از کتاب احتجاج طبرسی نقل کرده که در نامه‌ئی که از طرف

حضرت بقیة الله عجل الله فرجه بدست (نایب خاص آنحضرت) محمد ابن عثمان عمري رسیده نوشته بود اما ظهور فرج، امر آن با خدا است و دروغ میگویند کسانی که وقت معین میکنند.

معنی روایات تأخیر افتادن چیست

۱۱- روایاتی از ائمه طاهرین علیهم السلام رسیده و علامه مجلسی هم در کتاب سیزدهم بحار آنرا ضبط فرسره مضمون آن روایات این است که خدا برای این مطلب وقتی معین کرده بود و شما شیعیان آنرا فاش کردید و خدا آنرا بتأخیر انداخت و در روایت دیگر است که وقت آن سنه هفتاد بود و بسنه صد و چهل تأخیر افتاد و باز از آن سال تأخیر افتاد و دیگر وقتی برای آن معین نشده است

البته مخفی نماند که ممکن است مقصود این روایات ظهور امر امامت یکی از ائمه و فرج و آسودگی شیعیان از فشار و بدگوئی و اذیت مخالفین شیعه بوده است. ائمه اطهار فرموده بودند در غلان سال فرضاً میرسند و شیعیان نتوانسته بودند آنرا پنهان بدارند و بدیگران گفتند و چون آن سر فاش شد مخالفان بیشتر در صدد مخالفت بر آمده فرج و راحتی شیعه و ظهور امامت بتأخیر افتاد.

و البته مقصود این روایات تأخیر افتادن ظهور امام دوازدهم نیست زیرا اولاً امام دوازدهم در سنه هفتاد و صد و هفتاد متولد هم نشده بودند و ثانیاً ائمه طاهرین خودشان مکرر فرموده اند که وقت برای ظهور امام دوازدهم معین نمیکنیم و هر کس وقت معین کند دروغ گفته است پس

چطور ممکن است مقصود این روایات ظهور امام دوازدهم باشد پس مقصود فرج و رفاهیت حال شیعه بوسیله یکی از امامان علیهم السلام است و خصوصاً در روایات عثمان نوا است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند این امر درباره من بود و خدا آنرا بتأخیر انداخت و بعد از آن در ذریه من خدا هر چه بخواهد می کند.

یعنی بنا بود بوسیله من خدا فرج مهمی بشیعیان برساند ولی بتأخیر افتاد و بعد بوسیله هر یک از ذریه من که خدا بخواهد فرج خواهد رسانید.

و اما روایت ابولبید مخزومی که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند در حروف مقطعه اول سوره های قرآن علوم بسیاری نهفته شده و فرمودند با گذشتن هر حرفی از حروف مقطعه قرآن قائمی از بنی هاشم قیام میکند و قائم از فرزندان عباس در نزد حساب ایجد (المصر) قیام کرد و چون وقت (الر) برسد قائم ما قیام خواهد کرد.

بعضی تصور کرده اند مقصود از این لفظ که فرموده قائم ما قیام میکند ظهور امام دوازدهم باشد و لذا خیلی بزحمت افتاده اند که مقصود چه زمان است ولی مخفی نماند که اولاً از لفظ قائم ما مقصود امام دوازدهم نیست بلکه اطلاق این لفظ بر بنی هاشم صحیح است.

چون مقصود از لفظ ما در مقابل بنی العباس است و فرموده اند ما ائمه و ثانیاً از روایات در فصل گذشته معلوم شد که از زمان پیغمبر اسلام به بعد همه گفتند که برای ظهور امام دوازدهم وقت معین نمیشود و وقت معین کنندگان دروغ میگویند و هر کس از طرف ما وقت معین کند تکذیب کنید زیرا ما وقت معین کننده نیستیم با این همه روایات چگونه

ممکن است بگوئیم که در این روایت امام وقت برای ظهور امام دوازدهم معین کرده‌اند.

و در روایت مفضل ابن عمر که علامه مجلسی آنرا در باب احوالات زمان ظهور آنحضرت نقل کرده است مفضل از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسید و گفت ای آقای من آیا برای (ظهور) مهدی (ع) وقت معینی هست که مردم بدانند آنحضرت جواب فرمود خدا نخواسته است که برای ظهور آن جناب وقتی معین شود که شیعیان ما آن را بدانند.

ممکن است در ظهور آن حضرت تعجیل و تأخیر شود

۱۲- در روایت دعبل که قبل از این فصل از حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) ذکر شد و در روایات دیگر هم از شیعه و عامه رسیده که اگر باقی نماند از عمر دنیا مگر یک روز خدا آنروز را طولانی میکند تا امام دوازدهم خروج کند و زمین را پر از عدالت نماید.

این مطلب آنست که در ظهور آنحضرت ممکن است تعجیل شود و زودتر واقع شود و ممکن است عقب بیفتد و دیرتر واقع شود و ممکن است بسیار عقب بیفتد ولیکن اصل ظهور امری محتوم است که البته نشد ندارد. حالا علت تعجیل و تأخیر آن چه میشود خدا میداند آن اندازه که برای ما بیان کرده‌اند این است که اگر مردم از سختی‌های زمانه بتنگ آمدند و بدرگاه خدا تضرع و زاری نمودند و دعاء کردند خدا ظهور آنحضرت را زودتر میرساند و اگر متوجه تضرع بدرگاه خدا

نشوند که ظهور آنحضرت را برساند و عالمیان را راحتی بخشد، ظهور بتأخیر خواهد افتاد، فرمایش امام را در این مطلب در فصل بعد از این بخوانید.

دعاء برای تعجیل ظهور مؤثر است

یکی از وظایف شیعه در زمان غیبت امام زمان (ع) دعاه و تضرع کردن نزد خدا برای تعجیل فرج و ظهور آنحضرت است.

۱۳- از کتاب تفسیر عیاشی است که فضل ابن ابی قره گفت شنیدم از امام صادق (ع) (در ضمن روایتی) میفرمود چون مدت عذاب و گرفتاری بنی اسرائیل طول کشید (که بدست فرعون و فرعونیان مبتلا شده بودند) چهل روز صبح بدرگاه خدا ضجّه و گریه کردند (و خلاصی و نجات خود را از خدا خواستند) پس خدا وحی فرمود بسوی موسی و هارون که آنها را از فرعون نجات دهند و حال آنکه هنوز تا زمان نجات آنها (در تقدیر خدا) یکصد و هفتاد سال مانده بود، ولی بواسطه تضرع و زاری خدا آن صد و هفتاد سال را بخشید.

بعد امام صادق (ع) فرمودند حال شما شیعیان هم مانند حال بنی اسرائیل است اگر شما (ضجّه و گریه و تضرع و زاری بدرگاه خدا) کردید فرج ما را خدا میرساند، ولی اگر (اهل گریه و زاری بدرگاه خدا) نیستید امر ظهور تا بآخر درجه عقب خواهد افتاد.

مؤلف گوید دعائی که برای تعجیل فرج دستور داده شده که مؤمنین بخوانند در فصل وظیفه شیعیان در ایام غیبت امام ملاحظه شد.

دعای برای تعجیل فرج حضرت حجت علیه السلام

اولاً هر وقت صلوات بر محمد و آل محمد میخوانی بعد از آن برای تعجیل ظهور امام زمان هم دعاء کن و همیشه این جور صلوات بخوان.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

و ثانیاً روزهای جمعه بخوان دعای ندبه را که دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت است و آن دعا در کتاب مفاتیح الجنان ذکر شده است.

و بخوان دعائی که نایب اول حضرت بقیه الله عجل الله فرجه بمحمد ابن همام تعلیم داد و سید ابن طاووس که یکی از علماء بزرگ شیعه است در کتاب جمال السبوع ذکر کرده و سفارش کرده که از این دعاه غفلت نکنید و این دعا در آخر کتاب مفاتیح الجنان محدث قمی هم ذکر شده و چون دعا قریب چهار صفحه است ما قسمتی از آنرا در اینجا مینویسیم.

داللّٰهم انا نشكوا اليك فقد نبينا و نجيبه ام منا و شدة الزمان علينا و قوع الفتى بنا و تظاهر الاعداء علينا و كثيرة عدونا و قلة عددنا اللهم فاخرج ذلك عنا بفتح منك تعجله و نصر منك تعز و امام عدل تظهروه إله الحق آمين (مفاتيح الجنان قمی)

عنوان دوم:

علامات زمان ظهور امام (ع)

۱- خدا در معراج پیغمبر (ص) وحی فرموده

از کتاب کمال الدین شیخ صدوق است که ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت کرده فرمود موقع در شب معراج که خدا مرا با آسمان برد بمن وحی فرمود یا محمد (و مطالبی را بیان فرمود تا رسید باینجا) بیرون میآورم از صلب علی ابن ابیطالب یازده نفر مهدی که همه آنها از ذریه تو از دختر بتول میباشند آخر آنها کسی است که عیسی ابن مریم پشت سر او نماز میخواند و او زمین را پر میکند از عدالت همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد بوسیله او مردم را از هلاکت نجات میدهم و بوسیله او مردم را از ضلالت هدایت میکنم و بوسیله او کوران و مریضها را شفاء میدهم.

پس گفتم خدای من در چه زمان خواهد بود خداوند عالمیان وحی فرمود، زمانی که علم برطرف گردد و جهل ظاهر شود و قراء (و گویندگان) زیاد شوند ولیکن عمل کردن کم باشد و کشتیار مردمان بسیار شود و فقهاء و دانشمندان هدایت کننده کم شوند و دانشمندان گمراه کننده و خائن بسیار شوند و شاعر بسیار شود و امت تو قبرهای خود را مسجد بگیرند و قرآن را زینت کنند و مسجدها را بطلا زینت دهند و جور و فساد بسیار شود و منکر (یعنی کارهای بد) آشکار شود و امت تو را بآن کارهای بد، امر کنند و مردم را از کارهای خوب نهی کنند و مردان بمردان و زنان بزنان اکتفاء کنند و فرمانروایان کافر باشند

و دوستان ایشان فاجر (و معصیت کار) باشند و کمک کاران آنها ظالم باشند و اصحاب رأی از آنها فاسق باشند.

در آنزمان سه موضع بزمین فرو رفتن پیدا میشود یکی در مشرق و یکی در مغرب و یکی در جزیره العرب و خرابی در شهر بصره پیدا شود بدست یکی از ذریه تو که تابعین او مردمان زنجی هستند و مردی از فرزندان حسین ابن علی خروج کند و دجال از مشرق زمین از سیستان ظاهر شود و سفیانی ظاهر گردد.

پس گفتم خدایا بعد از من چه فتنه‌ها واقع میشود خدا هم فتنه و بلاء بنی امیه لعنهم الله را بمن خبر داد و فتنه‌های فرزندان عموی من (بنی العباس) و آنچه تا روز قیامت واقع میشود بمن وحی فرمود و چون از معراج برگشتم همه آنها را به پسر عمویم علی ابن ابیطالب خبر دادم و ادای رسالت کردم و خدا را حمد میکنم چنانکه پیغمبران حمد کرده‌اند و سایر مخلوقات قبل و بعد از من تا قیامت حمد کرده و میکنند.

علامات زمان خروج دجال و کشته شدن او بدست

حضرت بقیه الله (ع) و رجعت امیر مؤمنان (ع)

۲- از کتاب کمال الدین صدوق علیه الرحمه است نزال ابن سیره روایت کرده که علی ابن ابیطالب (ع) برای ما خطبه‌ئی خواند و حمد و ثنای خدا گفت و پس از آن سه مرتبه فرمود سلونی قبل ان تفقدونی یعنی هر چه میخواهید از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید.

در این وقت (مردی بنام) صَعَصَة ابن صَوْحان از جا برخاست و گفت

یا امیر المؤمنین دجال کی خواهد آمد آنحضرت فرمود بنشین خداوند سخن تو را شنید و دانست که مقصود تو چیست (گویا مقصود او آن بوده که بفهمد حضرت قائم عجل الله فرجه چه زمان ظهور میکند چون معلوم بوده که هر وقت دجال بیاید آنحضرت هم ظاهر میشود و کشتن دجال بدست آنحضرت خواهد بود و چون زمان ظهور امام را کسی غیر از خدا نمیداند لذا حضرت امیر (ع) فرمودند بخدا قسم یاد میکنم در این باره سائل و مستؤل (یعنی تو و من) یکسان هستیم لیکن برای آن علاماتی هست که مانند آثار پا که پشت سر هم بزمین گذارده میشود آن علامات پی در پی ظاهر میگردد اگر خواسته باشی بتو خبر دهم گفت آری یا امیر المؤمنین آنحضرت فرمود حفظ کن و یاد بگیر.

آن علامت‌ها اینست، زمانیکه مردم نماز را بمیرانند (شاید یعنی نماز را بدون حضور قلب که روح آن است بجا می‌آورند یا معنایش این باشد که از نماز فراموش کنند و مانند کسی که مرده و از نظرها رفته نماز را هم نظر ببرند) و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و عمارت‌های محکم بسازند و دین را دنیا بفروشند و کار را بمردمان سفیه و نادان بگذارند و با زنان مشورت کنند و قطع رابطه (و احسان) از خویشاوندان کنند و دلبخواه و خواهش نفسانی را پیروی کنند و خونریزی (یعنی قتل) را آسان و بی اهمیت بدانند و حلم در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و ظلم و ستم فخر آنها باشد، اُمرا فاجر و وزراء ظالم و کسانی که متکفل امور دسته جات و جمعیت‌های مردم از طرف رؤساء میشوند خیانت کار

باشند و قاریان (یعنی خوانندگان قرآن یا گویندگان دینی) فاسق باشند. و شهادتهای باطل و دروغ ظاهر گردد و زنا کردن و تهمت زدن و گناه علنی شود و قرآن‌ها را زینت کنند و مسجدها را رنگ آمیزی و نقاشی نمایند و مناره‌ها را بلند بسازند و مردمان شریر را احترام کنند و صفهای دارای جمعیت زیاد باشد ولی دلها و از هم پراکنده باشد و عهد و پیمانها شکسته گردد و آنچه وعده داده شده بوده نزدیک شود و زنها از جهت طمع بمال دنیا با شوهران خود در تجارت شرکت کنند و صدای فاسقان بلند شود و سخن ایشان را مردم قبول کنند و پست‌ترین مردمان رئیس آنها گردد و مردم از جهت ترس از فاسقین تقیه و ملاحظه کنند. و درغگویان را تصدیق کنند و خائنان را امین قرار دهند و اسباب خوانندگی و نوازندگی برای خود بگیرند و آخر این امت مردمان اول امت را لعنت کنند و زنها بر زینها سوار شوند و زنان خود را شبیه بمردان کنند و مردان خود را شبیه بزنان نمایند و شهادت دهند بدون آنکه از او شهادت بخواهند، شهادت دهند بتلافی دوستی بر خلاف حق، شهادت دهد و برای غیر دین خدا دانش جویند و کار دنیا را بر کار آخرت مقدم بدارند و پوست میش را بر دل‌های (چون) گرگ بپوشند (یعنی بظاهر آرام و مهربان ولی در باطن گرگ درنده خو باشند) و قلبهای ایشان گندیده‌تر از مُردار و از صبر تلخ‌تر باشد.

پس در آن زمان *الْوَحَا الْوَحَا الْعَجَل الْعَجَل* (یعنی بگوئید خدایا تعجیل کن در فرج ما یا آنکه یعنی تعجیل کنید در کناره‌گیری از مردم بد) بهترین جاها برای مسکن گرفتن در آنزمان بیت المقدس است زمانی

بخلايق ميرسد كه آرزو ميكنند ايكاش ما در بيت المقدس ساكن بوديم.
پس اصبح ابن نباته برخواست و گفت يا امير المؤمنين دجال كيست
آنحضرت فرمود صائد ابن صيد است و شقي كسي است كه او را
تصديق كند و اهل سعادت كسي است كه او را تكذيب كند خروج
ميكند از شهري كه آن را اصبهان ميگويند و از دهی كه معروف بيهوديه،
است دجال چشم راست ندارد و چشم ديگرش در پيشانيش ميباشد و
مانند ستاره صبح مي درخشد در آن چشم پاره گوشتي است كه گويا با
خون آميخته ميباشد و ميان دو چشمش نوشته شده كافر بطوريكه هر
بي سواد و باسواد آنرا ميخواند (شايد يعني سيمای او چنان است كه
همه كس ميفهمند كافر است).

بدرياها داخل ميشود و آفتاب با او سير ميكنند در پيش روی او كوهي
از دود است و عقب سرش مردمان كوه سفیدی می بینند و گمان ميكنند
كه نان است (يعني بسحر چنين مردم نشان ميدهد) در ايام قحط
سالی سختی خروج ميكنند و به الاغی سفید رنگ سوار است زمین زیر
پای او پيچيده می شود و از منزلگاهی بمنزلگاه ديگري ميرسد بهيچ
چشمه آبی نميرسد مگر آن چشمه خشك ميشود و تا روز قيامت خشك
مي ماند بصدای بلند صدا ميزند بطوري كه جن و انس و شياطين كه در
مشرق و مغرب هستند صدایش را ميشنوند (ممکن است با وسائلي كه
امروزه پيدا شده صدایش را مشرق و مغرب ميرساند).

ميگويد ای دوستان من بسوی من بيايد منم آنخدائي كه خلق کرده ام و
شما را انسان نيكو آفریده ام و منم آنكسي كه تقدیر امور خلايق کرده و

هدایت نموده‌ام منم پروردگار اعلا‌ی شما، و این دشمن خدا دروغ میگوید زیرا او کور و یک چشمی است و (جسم است که) طعام میخورد و در بازارها (بصورت سایر خلائق) راه می‌رود و خدای شما یک چشمی نیست (و جسم نیست) نمیخورد و راه نمی‌رود و نمی‌میرد.

آگاه باشید که اکثر تابعین او در آنروز اولاد زنا و صاحب طیلسان سبز میباشند (در مجمع البحرین است که طیلسان لباسی است که تمام بدن را فرا میگیرد و دوختن ندارد) و خدای عزوجل در بالای تلّ شهر شام که معروف به تلّ افیق است، سه ساعت از روز جمعه گذشته بدست کسی که عیسی ابن مریم عقب سر او نماز میخواند (یعنی بدست حضرت حجت) او را بقتل میرساند.

آگاه باشید که بعد از آن تامه کبری (یعنی واقعه بزرگ) واقع میشود گفتم یا امیر المؤمنین آن واقعه بزرگ چیست فرمود خروج دابّۃ الارض است از زمین صفا (در مکه معظمه) عصای موسی و انگشتر سلیمان نزد او میباشند (گویا مقصود رجعت و برگشت امیر مؤمنان علی ابن ابیطالب است که دنیا بر میگردد) انگشتر را بر روی هر مؤمن میگذارد نقش میگیرد هذا مؤمن حقاً (یعنی این شخص از روی حقیقت دارای ایمان است) و بر روی هر کافر میگذارد نقش میگیرد هذا کافر حقاً (یعنی این شخص کافر حقیقی است) بقدری کفر و ایمان اشخاص واضح میشود که) مؤمن بکافر میگوید و ای بحال تو ای کافر و کافر میگوید خوش بحال تو ای کاش من امروز مثل تو مؤمن بودم و رستگار میشدم.

پس از آن دابة الارض سر خود را بلند میکند بعد از آنکه آفتاب از

مغرب بیرون آمده باشد پس تمام مردم که در مشرق و مغرب هستند او را می بینند و در این وقت توبه برداشته میشود، و توبه قبول نمیشود، و ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نداشته پذیرفته نمیگردد و اعمال خیر کسی که قبلاً در زمینه ایمان اعمال صالحه نکرده بالا نمیروند و قبول نمیشود پس از آن امیر مؤمنان (ع) فرمود نپرسید از من که بعد از آن چه خواهد شد زیرا حبیب من رسول خدا (ص) با من عهد کرده که آنرا بغیر از عترت خود بکسی نگویم.

در آنحال نزال ابن سبره بصعصعه گفت این کلمات امیر مؤمنان چه معنی داشت صعصعه گفت کسی که عیسی ابن مریم پشت سر او نماز میگذارد امام دوازدهم فرزند نهمی حسین ابن علی (ع) است و او است آفتابی که از مغرب طلوع خواهد کرد و در میان رکن و مقام (در مسجد الحرام) ظاهر میشود و روی زمین را (از کفر و فسق و ظلم) پاک میکند و میزان عدل و انصاف را بمیان میگذارد پس هیچ کس بدیگری ظلم نخواهد کرد و امیر مؤمنان (ع) خبر دادند که رسول خدا با ایشان عهد کرده اند چیزهایی که بعد از آن واقع میشود بغیر از امامان از عترت خود بکسی دیگر نگوید.

عنوان سوم: علائم ظهور عام

وضع دگرگون شده عالم

۱- امام پنجم بیان فرمودند: از کتاب کمال الدین صدوق است محمد ابن مسلم میگوید از حضرت امام محمد باقر (ع) شنیدم میفرمود

خداوند قائم را با رُعب یاری میکند (یعنی ترس او را در دل‌های دشمنان، میاندازد) و بانصرت (از جانب خودش) تأیید میکند و سلطنت او مشرق و مغرب را فرا میگیرد و خداوند بوسیله او دین خودش را ظاهر (و غالب) میکند اگر چه مشرکین نخواستند باشند پس در زمین ویرانه‌ئی نمیماند مگر آنرا آباد میکند و عیسی روح‌الله (از آسمان) نازل می‌شود و پشت سر او نماز میگذارد.

من عرض کردم یا بن رسول الله قائم شما کی خواهد آمد؟ فرمود زمانسکه مردها خود را شبیه بزنها و زنها خود را شبیه بمردها کنند و مردان بمردان و زنان بزنان اکتفاء کنند و زنها بر زینها سوار شوند و شهادتهای ناحق قبول شود و شهادت درست رد شود و مردم ریختن خون یکدیگر و عمل زنا و خوردن ربا را آسان شمارند و از اشرار بواسطه ترس از زبانشان تقیه (و ملاحظه) نمایند و سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن خروج کند و فرو رفتن، در بیداء واقع شود و جوانی از آل محمد که اسمش محمد ابن الحسن نفس زکیه است در بین رکن و مقام (در مسجد الحرام) کشته شود و صیحه (یعنی صدای مهیبی) از آسمان بیاید که حق در پیروی از قائم آل محمد و شیعه اوست در آنوقت قائم ما خرج خواهد کرد.

و چون خروج کند تکیه بخانه کعبه میدهد و سیصد و سیزده مرد اطراف او جمع میشوند و اول سخنی که میگوید این آیه (از قرآن) است.

بقیه الله خیرکم ان کنتم مؤمنین (یعنی باقی مانده از اولیاء خدا برای شما بهتر است اگر شما ایمان بیاورید و بعد از آن میفرماید منم بقیه الله

در زمین خدا و چون ده هزار نفر یاور پیدا کند خروج میکند و در آنوقت هر معبودی که غیر از خدای عزوجل در روی زمین باشد مانند بت و غیر آن آتشی در آن میافتد و میسوزد و این ظهور، بعد از غیبت طولانی خواهد بود بجهت آنکه خدا خواسته معلوم کند که چه کسانی در غیبت مطیع او هستند و ایمان باو دارند.

حالات مردم آخر زمان

و فساد احوال دین و دنیای آنها. این روایت را بخوان و عبرت بگیر و از این کارهای بد پرهیز کن و از شر آخر زمان بخدا پناه ببر، که زمان امتحان شما میباشد.

۲- در جلد سیزدهم بحار الانوار، علامه مجلسی نقل کرده از معتبرترین کتاب یعنی کتاب روضه کافی تألیف شیخ کلینی که حمران بخدمت امام ششم حضرت جعفر ابن محمد (ع) رسیده شرحی راجع باستیلاء دشمنان بر شیعه داد تا کلامش باینجا رسید که گفت چه زمان شیعه از ظلم آنها راحت میشود؟ آنحضرت فرمود آیا نمیدانی که برای هر چیزی مدتی هست؟ گفتم بلی میدانم، فرمود هرگاه مدت آنها بسر آمد زودتر از یک چشم بهمزدن پایمال و مضمحل میشوند اگر بدانی که حال آنها در نزد خدا چگونه است بغض و عداوت تو بایشان بیشتر میشود اگر تو و همه اهل زمین تلاش کنید که آنها را در گناهان بیشتری داخل کنید زیاده از آنچه فعلا مرتکب هستند نمیتوانید پس مبادا شیطان تو را فریب دهد و صبر تو را ببرد، همانا عزت (حقیقی) برای خدا و رسول خدا و

اهل ایمان خواهد بود ولیکن منافقین نمیدانند آیا نمیدانی که هر کس منتظر دولت ما باشد و بر ترس و اذیتی که باو میرسد صبر نماید فردای قیامت در دستۀ ما خواهد بود.

هر گاه دیدی که حق مرده است (و از بین رفته) و اهل حق از میان رفته‌اند و دیدی که جور (و ستم) شهرها را فرا گرفته و دیدی که قرآن کهنه شده (یعنی کسی با حکام آن عمل نمیکند) و احداث شده باشد در قرآن چیزی که در او نیست و قرآن را بدلخواه خود توجیه و تأویل نمایند و دیدی که دین سرنگون شده، چنانکه ظرف آب سرنگون میشود و دیدی که اهل باطل بر اهل حق رفعت و بلندی یافتند و دیدی که شر آشکارا شده و کسی از آن نهی نمی کند و اهل شر را معذور میدارند و دیدی که فسق (و گناهان) آشکارا شده مردان در شهوت رانی بمردان اکتفاء می کنند و زنان بزنان اکتفا میکنند و دیدی که مؤمن ساکت است و سخنش را قبول نمیکنند و دیدی که فاسق (یعنی کسی آشکارا گناه میکند) دروغ میگوید و کسی تهمت و دروغش را نمی کند و دیدی که کوچکها بزرگترها را حقیر می شمارند و دیدی که ملاحظه قرابت و خویشی ها قطع شده و دیدی که کسی را مدح و ثنا میکنند بفسق (و گناه) و مردم به کار او می خندند و نمی گویند و سخنش را بر نمی گردانند و تکذیب نمیکنند و دیدی که جوانان مانند حال زنان لواط میدهند و دیدی که زنان بزنان جفت میشوند و دیدی که مدح و ثنا بسیار شده و دیدی که مردم مال را در غیر طاعت خدا صرف میکنند و کسی ایشانرا نهی نمیکند و از ایشان جلوگیری نمیکند و دیدی که چون

مردم نگاه کنند بمؤمن و ببینند چگونه کوشش و تلاش میکند (در امر دینش) بگویند پناه بر خدا (این چه کار است و چه زحمت است که میکشد و چه فایده دارد) و دیدی که همسایه بهمسایه خود اذیت میکند و مانعی در کار نیست و دیدی که کافر از جهة مشاهده (گرفتاری) حال مؤمن خوشحال است و از جهة آنکه می بیند روی زمین را فساد گرفته بسیار مسرور است و دیدی که آشکارا مسکرات (یعنی مشروبات) میخورند و جمع میشوند برای مشروب خوردن کسانیکه از خدا نمیترسند و دیدی کسانیکه امر بمعروف میکنند (در نزد مردم) خوار و بیمقدار شده اند و دیدی کسانیکه علانیه معصیت می کنند باقوت و پسندیده شده اند و دیدی که اهل قرآن (و حدیث) را حقیر می شمارند و هرکس هم که آنها را دوست بدارد او را حقیر می شمارند و دیدی که راه خیر بسته شده و مردم براه شر میروند و دیدی که بیت الله الحرام از جهت نرفتن حاجیان معطل مانده و مردم را بترک زیارت امر میکنند و دیدی که مردان خود را فربه می کنند که مردان با ایشان شهوت رانی کنند و زنان خود را برای زنان فربه میکنند و دیدی که معاش مرد از لواط دادن و معاش زن از زنا دادن شده است و دیدی که زنان برای خودشان مجانس تشکیل میدهند چنانکه مردان برای خود مجالس میگیرند و دیدی که صفات زنان در پسران بنی العباس ظاهر شده خضاب کرده و بموهای خود شانه میزنند چنانکه زن برای شوهر خود مویش را شانه میکند و مردم پولهایی بجوانان میدهند که با آنها لواط کنند و مردم رغبت بسیار بلواط پیدا می کنند و بر آن حسد میبرند و

صاحب مال از صاحب ایمان عزیزتر باشد و ربا خوردن آشکارا گردد و کسی را بر آن کار سرزنش ندهند و زنان را بزنا دادن مدح و ثنا نمایند و دیدی که زن با شوهر خود میسازد (پول دادن و غیر ذالک) برای آنکه مردانرا بخود راه دهد و بمردان دیگر زنا دهد و دیدی که بیشتر مردم و بهترین خانواده‌ها (در نزد مردم) کسانی هستند که مساعدت کنند زنانرا بر گناهان آشکار.

و هرگاه دیدی که اهل ایمان محزون و حقیر و خوار شده باشند و دیدی که بدعت‌ها و زنا کردن آشکار شده و دیدی که مردم شهادت دروغ را می‌پذیرند و دیدی که حرام را حلال کرده‌اند و حلال را حرام نموده‌اند و دیدی که دین خدا را بدلخواه خود تطبیق میکنند و قرآن و احکام آن معطل گردیده و دیدی که مردم از بس جرأت بر خدا پیدا کرده‌اند انتظار نمیشکند که شب تاریک گناه را مرتکب شوند بلکه در روز روشن مرتکب می‌شوند و دیدی که اهل ایمان نمی‌تواند بدگوئی و مذمت کند از کارهای بد مگر در قلبش و دیدی که مردم مال بسیار زیاد صرف میکنند در کاری که غضب خداوند عزوجل در آن میباشد و دیدی که فرمانفرمایان اهل کفر را مقرب خود می‌دانند و بخود نزدیک میکنند و اهل خیر را از خود دور میکنند و دیدی که فرمانفرمایان رشوه میگیرند برای حکم دادن و دیدی که ریاست قباله شده برای هر کس بخواهد (یعنی پول میدهند و ریاست را خریداری میکنند) و دیدی که مردم با محرم‌های خودشان (مانند دختر و خواهر و غیره) زنا میکنند و بهمانها اکتفا می‌کنند (و دیگر زن نمیگیرند) و دیدی که مردم بمظنه و

گمان کشته میشوند و بر سر پسران جوان با یکدیگر حسد میورزند و جان و مال خود را فدا میکنند و دیدی که مرد آنرا بمقارب زنان سرزنش میکنند (و تشویق بلواط مینمایند) و دیدی که معاش مرد از زنا دادن زنش میباشد، میداند که زنش چه میکند و بآن تن داده راضی میباشد و دیدی که زن بر شوهرش غلبه کرده کارهائی میکند که شوهرش نمیخواهد و بشوهر خود خرجی و نفقه میدهد و دیدی که مرد زن خود و کنیز(و کلفت) خود را بکرایه میدهد و بخوردنی و آشامیدنی پست و با دنائت راضی میشود.

و دیدی که مردم قسمهای بسیار بدروغ، بخدا یاد میکنند و دیدی که قمار کردن آشکارا شد و دیدی که شراب آشکارا فروخته میشود و منع کننده‌ئی بر آن نیست، و زنها را دیدی که خود را باهل کفر می‌بخشند و دیدی که اسباب نوازندگی آشکارا شده مردم بر آن میگذرند و هیچکس دیگری را منع نمیکند و هیچکس بمنع کردن آن جرأت نمیکند.

و دیدی که مرد شریف را ذلیل میکند کسی که مردم از ریاست او میترسند و دیدی که مقرب‌ترین مردم نزد والیان کسی است که او را مدح کنند و ما اهل بیت پیغمبر را دشنام دهند و دیدی که هر کس ما امامان را دوست بدارد او را تکذیب میکنند و شهادت او را قبول نمی‌کنند.

و دیدی که بحرفهای دروغ که آنرا زینت داده‌اند مردم مبالغه و افتخار میکنند و دیدی که شنیدن قرآن بر مردم سنگین شده و شنیدن باطل (مانند ساز و آواز و تصنیفهای زایل کننده غیرت و حیا) بر مردم آسان

شده باشد و دیدی که همسایه بهمسایه خود احترام میکند از ترس زبانش و دیدی که حدود خدائی (یعنی مجازات و کیفرهایی که خدا بر کارهای بد قرار داده) تعطیل شده باشد و بدلخواه خودشان مردم را مجازات میکنند.

و دیدی که مسجدها را زینت کرده‌اند، و دیدی که تهمت زننده دروغ‌گو در نزد مردم راست‌گوترین اشخاص شمرده میشود و دیدی که شر آشکارا شده و بسخن چینی کوشش میکنند (یعنی مفتش مواظب سخن مردم میشود) و دیدی که ظلم آشکار شده و دیدی که غیبت کردن (یعنی بدگوئی پشت سر مردمان) را جایز میدانند و مردم یکدیگر را ببدگوئی دیگران بشارت میدهند و دیدی که مردم را برای غیر خدا بحج و جهاد میطلبند و دیدی که سلطان اهل ایمانرا برای اهل کفر ذلیل میکنند و رایت الخراب قد ادیل من العمران یعنی و دیدی که آبادانیها تبدیل بخراب شده و دیدی که گذران معاش مردم بکم دادن پیمانہ و ترازو شده و دیدی که خونریزی و کشتار مردمان در نظرها سهل و آسان شده باشد.

و دیدی که مردم طلب ریاست میکنند برای رسیدن بمقاصد دنیوی خود و خود را بپند زبانی شهرت میدهند که مردم از ایشان بترسند و کارها را باو مراجعه بدهند و باو بسپارند و دیدی که نماز را سبک کرده‌اند و حقیر شمرده‌اند و دیدی که مردی مال بسیار اندوخته کرده ولی از آن زمانی که مالک آنها شده حقوق واجب آنرا نداده است (مانند زکاة و خمس) و دیدی که اموات را از قبرها بیرون آورده اذیت میکنند و کفن

آنها را میفروشنند و دیدی که فتنه و اختلاف زیاد شده باشد و دیدی که مرد شب میکند بحال مستی و صبح میکند بحال مستی (یعنی شب و صبح مسکرات و مشروبات میخورد یا آنکه از اول شب تا بصبح بمستی میگذرانند) و خیالش نیست که مردم در چه حالند و دیدی که مردم با حیوانات مقاربت می کنند (شاید مقصود آن باشد که زنان سگها را بر روی خود میکشند چنانچه الان در ممالک دیگر مرسوم شده و شاید مقصود آن باشد که مردان با حیوانات مقاربت می کنند).

و دیدی که حیوانات (مانند شتر و گاو و گوسفند که بهیمة نامیده میشوند) یکدیگر را می درند و شکار میکنند و رایت الرجل یخرج الی مصلاه و یرجع و لیس علیه شی من ثیابه یعنی و دیدی که مردی بجای نماز خود میرود و بر میگردد و چیز از لباسهای خودش در برش نیست. و دیدی که دلهای مردم را قساوت گرفته و سخت شده (و سخن در آن تأثیر نمیکند و ترحم در آن نیست) و چشمهای مردم خشک شده (گریان نمیشود) و شنیدن قرآن و نصیحت بر آنها سنگین و مشکل میشود و دیدی که حرام آشکارا شده (مانند پول رشوه و ربا و پول قمار و غیره) و مردم با خوشحالی بآن اقدام میکنند (و با آن خوشگذرانی مینمایند) و دیدی که نماز گذار برای ریاء نماز میخواند (نه برای رضای خدا) و رایت الفقیه یتفقہ لغير الدین یطلب الدنيا و الریاسه یعنی و دیدی که دانشمندان برای غیر دین خدا دانشجو میشوند و بآن وسیله مال دنیا و ریاست را طلب میکنند و دیدی که مردم با آن کسی هستند که بر دیگران غالب گردد (یعنی در فکر حق و باطل نیستند هر

کس غالب شود او را پیروی می‌کنند)

و دیدی که در مکه معظمه و در مدینه منوره کارهائی میشود که خدا دوست نمیدارد و کسی ایشانرا از آن کارها منع نمیکند و هیچکس ایشانرا از عمل قبیح جلوگیری نمی‌نماید و دیدی که آلات طرف (مانند رادیو و غیره) در مکه و مدینه ظاهر شده باشد و دیدی که اگر کسی سخن حقی بگوید و امر بمعروف و نهی از منکر کند دیگری بعنوان نصیحت و خیرخواهی باو میگوید که این تکلیف از تو ساقط شده (و لازم نیست که خود را بمشقت بندازی) و دیدی که مردم بیکدیگر نگاه میکنند و باهل شر اقتدا مینمایند (یعنی مردم بیکدیگر نگاه می‌کنند و کارهای بد که از اهل شر فرا گرفته‌اند عمل می‌کنند و همه تقلید از بیگانگان مینمایند) و دیدی که مردگان را بحرکت میاورند و هیچ کس از آن نمیترسد و دیدی که در هر سال کارهای شر و بدعتها (یعنی تازه‌هائی مخالف دین) حادث می‌شود بیشتر از آنچه قبلاً موجود بوده است و دیدی که مردم و مجلسها پیروی نمی‌کنند مگر ثروتمندان را و دیدی که مردم بفقر و محتاج چیزی می‌دهند که بوسیله او بخندند (یعنی هر کس بازی در آورد و مردم را بخنداند باو چیزی می‌دهند) و باو ترحم می‌کنند و لیکن مقصودشان خوشنودی خدا نیست.

و دیدی که آیات و علاماتی در آسمان ظاهر می‌شود و هیچکس از آن نمیترسد و دیدی که مردم مانند حیوانات (در منظر عمومی) با یکدیگر شهوت رانی می‌کنند و هیچکس از ترس نمی‌تواند بدگوئی کند و دیدی که مردی مال بسیار در راه غیر طاعت خدا صرف میکند و مال کمی در

طاعت و بندگی خدا صرف نمیکند و دیدی که پدرها آشکارا از پسرها اظهار عدم رضایت میکنند و فرزندان پدر و مادر را سبک می‌کنند و حال پدر و مادر نزد فرزندان بدترین حالات است و خوشحال میشوند که کسی بپدر و مادر آنها تهمت و دروغ ببندد و دیدی که زنان بر مملکت و بر هر امری غالب شوند و هیچ کاری انجام نگیرد مگر آنکه خواست آنها در آن باشد و دیدی که پسر بر پدرش افترا و تهمت می‌بندد و بر پدر و مادر خود نفرین میکند و بمرگ آنها خوشحال میشود و دیدی که اگر روزی بر مردی بگذرد که در آنروز گناهان بزرگ نکرده باشد مانند زنا کردن و کم فروشی کردن و مال حرام بدست آوردن و خوردن مشروبات مسکرات (اگر یکروز مرتکب نشده باشد) محزون و غمناک میشود و گمان میکند که آنروز ضرر او کرده است و از عمرش ضایع گردیده است و دیدی که پادشاه غلات را جمع میکند و نگه میدارد و دیدی که اموال ذوی القربای پیغمبر در باطل تقسیم میشود و بآن قمار می‌کنند و شراب می‌خورند و دیدی که انواع شرابها (و مسکرات) را بجای دوا می‌خورند و آنرا برای مریضها توصیف میکند و از آن شفا می‌طلبند و دیدی که مردمان در ترک امر بمعروف و نهی از منکر همه با هم یکسان شده‌اند (یعنی هیچ کس امر بمعروف و نهی از منکر نمی‌کند) و هیچ کس عقیده بآن ندارد (یعنی اعتناء بآن نمیکنند یا بخیال اینکه اثر ندارد ترک می‌کنند) و دیدی که منافقان (که بظاهر ادعای مسلمانی می‌کنند و در حقیقت مسلمان نیستند صاحب اختیار و غالب شده‌اند و) دائماً باد بر پرچم آنها میوزد و اهل حق مغلوب و

خاموش شده‌اند و دیدی که برای اذان گفتن و نماز خواندن اجرت و مزد میگیرند و دیدی که مسجدها پر شده از کسانی که از خدا نمیترسند، جمع میشوند در مسجدها برای غیبت کردن و بدگویی اهل حق و در مسجد برای یکدیگر شراب مسکر را تعریف میکنند و دیدی که شخص مست پیش‌نماز مردم میشود در حالتی که عقل ندارد و مستی را عیب نمیداند و چون مست شد او را احترام میکنند و از او تقیه مینمایند و از او میترسند و او را بحال خود گذاشته عقوبت نمی‌کنند و بواسطه مستی او را معذور میدارند و دیدی کسی که مال یتیمان را میخورد او را بخوبی یاد و تعریف میکنند و دیدی که قاضی‌ها بخلاف دستور خدا قضاوت می‌نمایند و دیدی که فرمانفرمایان، خائنین را بجای مردمان امین از جهة طمع منصوب می‌کنند و دیدی که فرمانفرمایان حکم جعل میکنند که ارث بمردمان فاسق و بی‌اعتنای بخدا برسد و میگیرند ارث را از مردم و میدهند بفاسقین که باختیار خود هر کار میخواهند بکنند و دیدی که در منبرها بتقوی خدا پرستی امر میکنند و گوینده خودش عمل نمی‌کند و دیدی که مردم نمازها را بوقت خود نمی‌خوانند و آنرا انگاری میکنند و دیدی که مردم صدقه (و اعانت بفقراء) را بواسطه شفاعت و توسط دیگران میدهند و مقصود آنها خوشنودی خدا نیست

بلکه از جهة آنکه دیگران برای فقراء از ایشان میطلبند ایشان هم میدهند و دیدی که همت و کوشش مردم برای خوردن و شهوت‌رانی کردن است و اعتنائی ندارند که چه میخورند و با که شهوت‌رانی میکنند (یعنی بحلال و حرام آن اعتناء نمی‌کنند) و دیدی که دنیا رو بمردم آورده

است و دیدی که پرچم و نشانه‌های حق کهنه و نابود شده است پس (چون دیدی این علامت‌ها ظاهر گردید) از آن مردم و کارهای آنها دوری کن و از خدا عزوجل نجات بطلب و بدانکه خلاق مستوجب غضب خدا شده‌اند و همانا خدا بایشان مهلت داده برای کاری که در خصوص ایشان اراده کرده است پس منتظر رسیدن آن باش و در حفظ دین خود کوش و تلاش کن که خدای عزوجل ببیند احوال و رفتار تو مغایر و مخالف آن مردم باشد پس اگر عذاب خدا برایشان نازل شد و تو در میان ایشان بودی و هلاک شدی تو بسوی رحمت خدا رفته‌ئی و اگر دیگران هلاک شدند و تو باقی ماندی و در کارهای آنها که جرأت بر خدا پیدا کرده‌اند شریک نبودی بدانکه خدا اجر و مزد نیکوکاران را ضایع نمیکند و رحمت خدا نزدیک به نیکوکاران است.

نصیحت دوستانه‌ای برادر و خواهر مسلمان

از این روایت چند چیز استفاده میشود اول آنکه این روایت در حقیقت معجزه‌ئی است از رئیس مذهب ما حضرت جعفر ابن محمد (ع) زیرا مثل ما که در این زمان هستیم می‌بینیم که چگونه موبمو تمام آن فرمایشات مطابق با واقع میباشد و گویا آن بزرگوار در میان این جامعه بوده و تمام دقایق و وقایع را رسیدگی کرده و دیده و بیان کرده در صورتیکه هزار سال پیش او اوضاع را بعلم امامت دانسته و برای ما بیان فرموده ما باید حقانیت امامان خود را بهتر بفهمیم و از این کارها پرهیز کنیم تا ببلاها گرفتار نشویم و رستگار باشیم دوم آنکه اگر تمام

این روایت را خواندی و دقت کردی می فهمی که غالب آن کارهای بد از دو چیز سر چشمه میگیرد یکی از جهت بی اعتنائی مردم بدین و آئین خدا و دیگر از جهت شهوت پرستی و بی قیدی زنان و مخلوط شدن آنها بجامعه مردان و تسلط و فرمانروائی آنها و غیر ذالک

و بی جهت نیست که پیشوایان دین از طرف خدا احکام مخصوص برای زنان آورده اند و آنها را امر بخانه داری کرده اند و قدغن نموده اند که در امور جامعه مردمان دخالت کنند و دستور داده اند که آرایش خود را به نامحرمان نشان ندهند ولی چون در جامعه ما اشخاصی هستند که میخواهند از ذلت و پستی خودشان مردم را بقهقری برگردانند و از انسانیت و پاکی دور کنند و بهترین وسیله کار آنها تحریک شهوات مردم و جلوه دادن زنان و پسران میباشد و لذا پیشوایان دین از طرف خدا این همه جلوگیری کرده و دستورات برای زنان و مردان آورده اند، حالا بعد از خواندن این روایت و دیدن حال مردمان اهل این زمان علت و جهت و درستی فرمایشات پیغمبر (ص) و امامان را خوب می فهمی پس اگر طینت پاک داری و بقرآن و پیغمبر و امامان حقیقی معتقد هستی فرمایشات ایشانرا بخوان و عمل کن تا رستگاری دو جهانرا دریابی.

خروج دوازده سید و مرگ عبدالله

۳- از کتاب غیبت شیخ طوسی است که امام صادق (ع) فرمودند قائم خروج نمی کند تا آنکه دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند و همگی

آنها مردم را بسوی خودشان (یعنی بامامت خودشان) دعوت کنند.

۴- و از کتاب غیبت شیخ طوسی است که حضرت صادق (ع) فرمود هر کس برای من ضمانت کند مردن عبدالله را من برای او ضمانت می‌کنم قائم را و هرگاه عبدالله بمیرد دیگر مردم بر سر کسی اجتماع نمی‌کنند و این امر (یعنی سلطنت) بکسی قرار نمی‌گیرد مگر بصاحب شما انشاءالله و بعد از آن پادشاهی سالها از بین می‌رود و بسلطنت ماه و روز تبدیل می‌شود گفتم آیا آن زمان بطول می‌کشد فرمود نه

۵- و از کتاب غیبت شیخ طوسی است که رسول خدا (ص) فرمودند ساعت، قیام نمی‌کند تا شصت نفر دروغگو خروج کنند و هر کدام ادعای پیغمبری داشته باشند.

چرا دعای مردم آخر زمان مستجاب نمی‌شود

۶- از کتاب صواب الاعمال شیخ صدوق است حضرت صادق (ع) فرمودند که رسول خدا (ص) فرموده‌اند زمانی برامت من پیش می‌آید که باطن‌های آنها خبیث و پلید است و ظاهر آنها بجهت طمع دنیا نیکو است اگر کار نیکی بکنند مقصودشان جزای آخرت نیست بلکه کار آنها ریائی است و اصلاً خوف از خدا ندارند، خداوند همه آنها را بعقوبت (عذاب) مبتلا می‌کند بی‌چاره شوند مانند شخصی که در دریا غرق شده باشد (با سوز دل) خدا را میخوانند ولی دعای آنها مستجاب نمی‌شود.

خرابی مسلمانان و دانایان آخر زمان

۷- از کتاب ثواب الاعمال شیخ صدوق است که امام صادق (ع) فرمودند رسول خدا (ص) فرموداند زمانی برامت من خواهد رسید که از قرآن باقی نماند مگر خطش (یعنی به آن عمل نمی‌کنند) و از اسلام باقی نماند مگر اسمش آن مردم مسلمان نامیده می‌شوند در صورتیکه دورترین اشخاص از مسلمانی هستند مسجدهای آنها (بظاهر) آباد است ولی از لحاظ تقوی و پرهیزگاری خراب است فقهاء (و دانایان) آن زمان بدترین فقهاء (و دانایان) هستند که زیر آسمان زندگی می‌کنند فتنه از آنها بیرون می‌آید و بسوی آنها باز می‌گردد.

اسلام غریب میشود

۸- از کتاب کمال الدین صدوق است که حضرت صادق (ع) از پدران خود از رسول خدا (ص) روایت کرده که پیغمبر فرمود: الاسلام بدء غریبا وسیعود غریبا کما بدء فطوبی للغریبا یعنی اسلام از اول بحالت غریب شروع شد و بزودی بحالت غربت بر میگردد و خوش بحال غرباء (یعنی کسانی که غریب می‌شوند و در حال غربت اسلام دست از آن برندارند و ثابت قدم بمانند)

۹- و از کتاب غیب نعمانی است که حضرت صادق (ع) فرمودند این مطلب (یعنی ظهور امام دوازدهم) نخواهد شد تا آنکه نه قسمت از ده قسمت مردم بروند (یعنی از دین و ایمان برگردند).

مردم بر دین و دنیای خود گریان میشوند

۱۰- از کتاب غیبت شیخ طوسی است محمد ابن الحنیفه (پسر حضرت امیر المومنین (ع)) گفت از او پرسیدم (گویا مقصود پدرش امیر المومنین (ع) باشد) که این مطلب کی واقع خواهد شد (یعنی ظهور امام دوازدهم) پس سر خود را حرکت داد و گفت چگونه این مطلب (باین زودی) واقع شود و حال آنکه زمانه هنوز فشار و سختی خود را وارد نساخته و برادران جفا نکرده‌اند چگونه واقع شود و حال آنکه هنوز سلطان ظلم و ستم نکرده چگونه این مطلب واقع شود حال آنکه هنوز آن زندیق (بی دین) از قزوین قیام نکرده که پرده (ناموس مردم) آنجا را بدرد (ویکفر صدورها) و حصار آنرا تغییر دهد و بحجت آنرا از میان ببرد.

هر کس از آن زندیق فرار کند او را بچنگ می‌آورد و هر کس با او جنگ کند او را بقتل میرساند و هر کس از او کناره‌گیری کند فقیر شود و هر کس از او پیروی کند کافر گردد (چنان کار بر مردم سخت می‌شود) تا آنکه مردم دو دسته می‌شوند یکدسته برای (از بین رفتن) دین خود گریه می‌کنند و دسته دیگر برای (از دست رفتن) دنیای خود گریه می‌کنند.

گرفتن ماه و خورشید در غیر موقع عادی

۱۱- از کتاب کمال الدین شیخ صدوق و از کتاب غیبت نعمانی است که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند پیشاپیش این مطلب (یعنی ظهور قائم (ع)) دو علامت واقع می‌گردد یکی گرفتن ماه در پنجم ماه

و دیگری گرفتن خورشید در پانزدهم ماه و از زمان حضرت آدم تا آنموقع چنین خسوف و کسوفی روی نداده است، در آنموقع حساب منجمین بهم میخورد.

و در خبر دیگر است از کتاب کمال الدین که حضرت صادق (ع) فرمودند قبل از قیام قائم خورشید در پنجم ماه رمضان خواهد گرفت. از کتاب ارشاد شیخ مفید و کتاب غیبت شیخ طوسی است که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند دو علامت قبل از (ظهور) قائم (ع) خواهد بود که از زمانی که آدم بزمین فرود آمده چنین واقعه‌ئی نشده است یکی آنکه خورشید در نیمه ماه رمضان می‌گیرد و دیگر آنکه ماه در آخر ماه می‌گردد مردی در آنجا گفت یا بن رسول الله (همیشه رسم این است که) خورشید در آخر ماه و ماه در نیمه می‌گیرد آنحضرت فرمود من می‌دانم که تو چه می‌گوئی لیکن این دو علامتی است که از زمان آدم تا آنوقت واقع نشده است.

مرگ قرمز و مرگ سفید

۱۲- از کتاب کمال الدین صدوق که سلیمان ابن خالد گفت از حضرت صادق (ع) شنیدم میفرمود پیشاپیش (ظهور قائم) (ع) دو مرگ در مردم پیدا می‌شود مرگ قرمز و مرگ سفید و چنان می‌شود که از هر هفت نفری پنج نفر می‌میرند مرگ قرمز شمشیر (وکشتار) است و مرگ سفید طاعون می‌باشد.

بلاهایی که مردم را از گناه جلوگیری می‌کند

۱۳- از کتاب ارشاد شیخ مفید است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند پیش از قیام قائم (ع) چیزهایی واقع می‌شود که مردم را از گناهایی که می‌کنند باز می‌دارد یکی آتشی است که در آسمان آشکار می‌شود و سرخی‌هایی که آسمان را فرا می‌گیرد و زمین فرورفتن در بغداد و زمین فرورفتن در شهره بصره و خونهایی که در بصره ریخته می‌شود و خرابی خانه‌های آن شهر و نابودشدنی که در بین اهل بصره واقع می‌شود و ترسی که اهل عراق را فرا می‌گیرد که با آن آرامشی نباشد.

(یعنی مردم بواسطه دیدن این علامات عذاب، و ترس از هلاکت و نابودی بوسیله جنگها قدری متنبه می‌شوند و از معصیت خوداری می‌کنند، البته حال ما مردم همین است در حال رفاهیت و خوشی و سلامتی به گناه مرتکب می‌شویم و فکر نمی‌کنیم که این معاصی عاقبت خطرناک دارد و شکستن دین خدا و احکام قرآن و پامال کردن آن نتیجه‌اش گرفتاریها و مرضها و بلاها و سختیها دنیوی و اخروی خواهد بود ولی موقعی که گرفتار بلاء شدیم عذاب را مشاهده کردیم آنوقت کمی بفکر افتاده متنبه می‌شویم ولی آنوقت چه سود که شاید جز سوختن و ساختن، چاره نداشته باشیم پس تا زود است و بلا نرسیده باید فکر چاره کرد، علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

دنیا هرج و مرج و غارتگری می‌شود

۱۴- از کتاب کفایه الاثر است که جابر انصاری می‌گوید رسول

خدا (ص) فرمودند از ما می باشد مهدی این امت هرگاه دنیا هرج و مرج شد (یعنی جنگ و خونریزی شد) و فتنه ها پشت سر هم ظاهر گردید و راهها قطع (وبسته) شد و مردم یکدیگر را غارت کردند بطوریکه نه بزرگ بر کوچک رحم کند و نه کوچک احترام بزرگ را حفظ کند، در آنوقت خدا مهدی ما را که نهمی از فرزندان حسین است برمی انگیزد که حصارهای ظلالت را فتح کند و دلهای مُهر شده را بگشاید در آخر زمان برای دین قیام می کند چنانکه من اول زمان برای دین قیام کردم و برمی کند زمین را از عدالت همچنانکه از جور پر شده باشد.

اسم خدا بلند گفته نمی شود

۱۵- از کتاب امالی شیخ طوسی است که عاصم ابن ضمیره نقل کرده علی ابن ابیطالب (ع) فرمودند البته زمین از ظلم و جور پر خواهد شد تا اندازه ای که کسی نتواند اسم خدا را بگوید مگر آهسته و پنهانی و پس از آن خدا مردمان صالحی را می آورد که پر کنند زمین را از قسط و عدل چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد

و از کتاب صحیح ترمذی که از کتب عامه است قریب بهمین مضامین از رسول خدا روایت کرده اند لا تقوم الساعة حتی لا یقال فی الارض الله الله یعنی آنساعت نمی رسد تا آنکه چنان شود که در روی زمین اسم خدا گفته نشود (نوائب الدهور).

چند شب در آسمان آتشی ظاهر می شود

۱۶- از کتاب غیبت نعمانی است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود موقعی که مردمان در صحرای عرفات می باشند ناگاه مردی که بر شتر چابک و چالاکی سوار است میرسد و خبر مرگ خلیفه را بایشان می دهد و در هنگام مرگ او فرج آل محمد و فرج جمیع مردم واقع خواهد شد، و آنحضرت فرمود وقتی که علامتی در آسمان دیدید و آن علامت آتش عظیمی است که چند شب از طرف مشرق ظاهر میشود در آن هنگام فرج مردم میرسد و این آتش زمان کمی قبل از قیام قائم (ع) ظاهر خواهد شد.

زمان تسلط زنان و ریاست جوانان

۱۷- از کتاب کافی کلینی است عبدالله ابن سلیمان می گوید حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود امیر مومنان (ع) فرموده البته زمانی خواهد آمد که مردمان فاسق و فاجر را تازه و خوب می دانند، و اشخاص پر روی شوخ را مقرب خود می سازند و اشخاص با انصاف را ضعیف می شمارند، یکی از حاضرین گفت در چه زمانی خواهد بود آنحضرت فرمود زمانی که زنان و کنیزان تسلط پیدا کنند و امارت و فرمانفرمائی با بچه سالان باشد.

مولف گوید عبارت روایت این است *یطرف فیه الفاجر ویقرب فیه الماجن (وفی اللغه الطرفه الجدید المستحسن و الماجن المزاج القلیل الحیاء.*

حال عامرین و ساکنین مساجد در آخر زمان

۱۸- از کتاب نهج البلاغه است

قال امیرالمومنین (ع) یاتی علی الناس زمان لا یبقی فیهم من القرآن الارسمه و لا من الاسلام الا اسمہ مساجدهم یومئذ عامره من البناء خراب من الهدی سکانها و عمارها شراهل الارض منهم تخرج الفته و الیهم تاوی الخطیئه یردون من شد عنها فیها ویسوقون من تاخر عنها الیها یقول الله سبحانه فی حلفت لا بعثن علی اولائک فتنه اترك اللحم فیها حیرانا وقد فعل و نحن نستقیل الله عشره الغفله

یعنی امیرمومنان فرموده‌اند زمانی بمردم میرسد که باقی نماند در میان آنها از قرآن مگر نوشته آن و باقی نماند از اسلام مگر اسم آن مسجدهای ایشان در آن زمان از جهت عمارت آباد است ولی از جهت هدایت خراب است آباد کنندگان و ساکنان آن مساجد بدترین اهل زمین هستند زیرا فتند (فساد) از ایشان سرمیزند و گناه و معصیت در آنها قرار می‌گیرد هر کس از فتنه خارج شود او را بسوی آن بر می‌گردانند و هر کس وارد آن فتنه نشده او را بسوی فتنه می‌برند خدا می‌فرماید بذات خودم قسم که البته فتنه‌ئی برای آنها می‌فرستم که اشخاص با تدبیر را سرگردان کند (وراه چاره را ندانند) و هر چه خدا فرموده به یقین خواهد کرد و ما از خدا از لغزشهای غفلت طلب عفو (و آمرزش) می‌کنیم. مولف گوید هنوز چنین زمانهائی برای مردم خواهد رسید فعلاً باید مردم قدر علماء و پیشنمازهای خوب خود را بدانند.

مردم آخر زمان نه مسلمانند و نه نصرانی

۱۹- از جلد شانزدهم بحار است رَوَتْ ام هانی بنت ابیطالب عن النبی (ص) انه قال یاتی علی الناس زمان اذا سمعت باسم الرجل خیر من ان تلقاه فاذا لقیته خیر من ان تجربه و اذا تجربته اظهر لک احوالادینهم دراهم و همتهم بطونهم و قبلتهم نسائهم یرکعون للرفیف و یسجدون للدرهم حیاری سکاری لامسلمین و لانصاری

یعنی ام هانی دختر جناب ابوطالب (خواهرامیرمومنان) روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمودند زمانی بر مردم می آید که اگر نام کسی را بشنوی بهتر از آنست که او را به بینی و اگر او را (فقط) به بینی بهتر از آنست که او را آزمایش کنی و اگر او را آزمایش کنی حالاتی (شگفت آور) برای تو ظاهر می کند، دین آن مردم پول ایشان است و همت آنها شکم های ایشان و زنها ایشان قبله آنهاست، از جهت دست آوردن یک قرص نان ب مردم رکوع می کنند و بجهت یک درهم پول (بمخلوق) سجده می کنند آن مردم مردمان حیرت زده مستی هستند که نه مسلمانند و نه نصرانی.

حال بعض مردمان آخر زمان و اهمیت امر بمعروف و ضرر ترک کردن آن ۲۰- از کتاب تهذیب شیخ طوسی است که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند در آخر زمان مردمانی پیدا میشوند که متابعت می کنند قوم ریا کاری را و تظاهر بقرائت قرآن و عبادت خدای می کنند (نه از روی حقیقت) آنها مردمان جوان کم عقلند، امر بمعروف و نهی از منکر را

واجب نمی‌دانند مگر زمانی که از ضرر آن درامان باشند و برای ترک امر بمعروف عذرتراشی می‌کنند لغزشهایی که از علماء سرزده و فساد علمی از آنها پیدا شده باشد آنرا پیروی می‌کنند بنماز و روزه و سایر چیزهایی که بمال و جان آنها زحمتی نداشته باشد اقبال می‌کنند و اگر نماز خواندن بسایر کارهایی که درباره مال و بدن خود می‌کنند ضرر برساند آنرا نیز ترک می‌کنند چنانکه بهترین و بزرگترین واجبات را که امر بمعروف ونهی ازمنکر است ترک نمودند.

(بدانید که) امر بمعروف و نهی از منکر فریضه (ای) بزرگ است که بسبب آن سایر فرائض (و واجبات) برپا داشته میشود (پس چون ترک آن کردند) غضب خدا برایشان (بنهایت رسیده) کامل می‌شود و عموم ایشانرا مشمول عقاب (عذاب) خود میگرداند و نیکوکاران (هم) در خانه بدکاران و خردسالان هم در میان سالخوردهگان هلاک کند.

امر بمعروف و نهی از منکر راه پیغمبران و طریقه صالحان است و فریضه بزرگی است که بسبب آن سایر فرائض برپا میشود و راهها امن می‌گردد و کسبها حلال میشود و هر چه بظلم از کسی گرفته شده بصاحبش برمی‌گردد و روی زمین آباد میشود و از دشمنان انتقام گرفته میشود و امور مستقیم می‌گردد.

پس (اگر کار بد را دیدید) با قلب خود از آن متنفر باشید و بازبان نهی کنید و (با نهی از منکر) بزنید به پیشانی آنها و در راه خدا از سرزنش ملامت کنندگان نترسید، پس اگر نصیحت شما را پذیرفتند و بسوی حق برگشتند که راهی (از عقوبت) بسوی آنها نیست، راه (عذاب) بر کسانی

است که بمردم ظلم می‌کنند و در روی زمین بغیر حق فساد و تعدی می‌نمایند، برای ایشان عذاب دردناکی خواهد بود در آنموقع با آنگونه اشخاص با بدنهای خود جهاد کنید و در دل خود آنها را دشمن بدانید ولی از امر بمعروف و نهی از منکر مقصود شما تسلط بر آنها و تجاوز بمال آنها و ظلم کردن و غلبه کردن به آنها نباشد (با آنها جهاد کنید) تا بسوی امر خدا برگردند و راه اطاعت خدا به پیمایند.

حال مردم آخر زمان و تسلط اشرار بر آنها

۲۱- از کتاب مستدرک الوسائل است که رسول خدا (ص) فرمودند: زمانی بمردم میرسد که صورت آنها صورت آدمی ولی قلبهای آنها قلب شیاطین است مانند گرگهای درنده خونخوار میباشند اگر آنها را از کارهای بد که می‌کنند نهی کنی دست برنمیدارند اگر پیروی ایشان کنی بدگمان میشوند و اگر با ایشان سخنی بگوئی (ونصیحت کنی) تورا تکذیب می‌کنند و اگر از آنها غایب شوی پشت سر، از تو بدگوئی می‌کنند.

سنت (پیغمبر) در میان ایشان بدعت (حساب) میشود و بدعت (یعنی کاربرد) در میان ایشان سنت (یعنی کار خوب) حساب می‌شود شخص با حلم (ملاحظه کار) در بین ایشان مکر کننده بشمار میرود و مکر کننده در میان ایشان با حلم محسوب میشود مومن در میان ایشان ضعیف است (مورد توجه نیست) وفاسق (وگنه کار) در میان ایشان عزیز و محترم است بچه‌های ایشان تندخو و زنان ایشان بدجنس و موذی هستند

وسالخوردگان ایشان امر بمعروف ونهی از منکر نمی‌کنند، پناهنده شدن بایشان خواری است و عذرخواهی از ایشان ذلت است و طلب کردن آنچه در دست آنهاست (از مال و منال دنیا) فقر است (یعنی محروم میکنند و نمیدهند).

در آنحال خداوند آنمردم را از باران (رحمتی) که باید در فصل خودش بیاید محروم میکند و مردمان شریر و بد را بر ایشان مسلط میکند که آنها را سخت شکنجه دهند و بعداب بد آنها را مبتلا کنند و فرزندان ایشان را بکشند و زنان ایشان را زنده‌نگه دارند، پس آنمردم خوبانشان دعاکنند ولی دعای آنها مستجاب نگردد.

مولف گوید: جهت آنکه دعای خوبان هم در آنزمان مستجاب نمی‌گردد ممکن است از جهت آن باشد که خوبان چون امر بمعروف ونهی از منکر را ترک کرده‌اند از این جهت خودشان هم گناه کار شده و دعایشان مستجاب نمیشود.

یا آنکه اگر هم خوبان بوظیفه خود امر بمعروف و نهی از منکر کرده‌اند ولی چون سایر مردم از جهت گناهان و معاصی مستحق عذاب و بلاء شده‌اند لذا دعای خوبان، دیگر بحال آنها تاثیری نمیکند و خدا بواسطه دعای خوبان رفع بلاء از ایشان نمی‌نماید تا نتیجه کردار بد خود را به بینند.

معرفی علماء بد در آخر زمان

۲۲- از کتاب مجموعه ورام است روایت شده که رسول خدا (ص)

فرموده‌اند در آخر زمان علمائی می‌آیند که مردم را تشویق بزه‌د و بی‌رغبتی بدنیا می‌کنند و خودشان زاهد و بی‌رغبت نمیشوند و مردم را ترغیب به آخرت میکنند ولی خودشان راغب نمیشوند و مردم را از معاشرت (رفت و آمد) با اولیان (وزامداران) نهی می‌کنند و خودشان کناره‌گیری از آنها نمی‌کنند و از فقراء دوری می‌کنند و ثروتمندان بخود نزدیک مینمایند این گونه علماء جبار (متکبر) دشمن خدا میباشند.

حال مردم آخر زمان و ابتلائات آنها

۲۳- از کتاب مستدرک الوسائل است که رسول خدا (ص) فرمودند ه‌اند زمانی بمردم میرسد که شکمهای ایشان خدایان ایشان و زنان آنها قبله آنها است و پول آنها دین آنها است و شرف آنها اثاث زندگی آنها است و باقی نمیماند از ایمان مگر اسمش و باقی نمیماند از اسلام مگر نشانه‌اش و باقی نمیماند از قرآن مگر درسش مسجدهای ایشان از جهت بناء آباد است و قلبهای آنها از جهت هدایت خراب است (یعنی قلبهای آنها دارای صفات بد است) علماء آنها بدترین خلق خدا در روی زمین میباشند.

در این هنگام خدا آنها را بچهار چیز مبتلا می‌کند بجور سلطان و قحطی زمان و ظلم والیان و حاکمان پس اصحاب (از حال آنها) تعجب کردند و گفتند یا رسول الله آنمردم بت پرست می‌شوند آنحضرت فرمود بلی هر یک درهم پول، نزد آنها بتی است (یعنی پول پرست و شکم پرست و دنیا پرست میشوند) و از کتاب هیفدهم بحار است که رسول خدا (ص)

فرمودند زمانی بمردم میرسد که اگر امور دنیایشان سالم باشد باک ندارند هر چه ازدینشان از دست برود.

حال مردم آخر زمان و علماء بد

۲۴- از کتاب مستدرک الوسائل است که حضرت امام حسن عسکری (ع) فرمودند زمانی بمردم میرسد که صورتهای ایشان شاد و خندان می باشد و قلبهای آنها تاریک و غصه دار است سنت (یعنی راه و رسم دین) در میان ایشان بدعت است (یعنی کار بد و ناشایست) و بدعت در میان آنها سنت است (یعنی کاملاً بان مواظبت می کنند) مومن در میان ایشان حقیر است و فاسق (یعنی گند کار) در میان ایشان محترم است امیران (وزماداران) ایشان جاهل و ستمکاران و علماء ایشان بدرب خانه ظالمین رفت و آمد می کنند اغنیاء آنها زاد (قوت) فقراء را میدزدند (یعنی زکاه که حق فقراء و قوت فقراء است نمیدهند و مانند آن است که مال آنها را بدزدی برده باشند) و کوچکتران بر بزرگتران تقدم میجویند (یعنی خود را بهتر و مقدم بر آنها میدانند) هر جاهلی نزد ایشان خبیر و با اطلاع بشمار میرود و هر حيله گری نزد ایشان فقیر است (مولف گوید شاید - هر حيله گری نزد ایشان فقیه است - باشد) ما بین شخص با اخلاص و کسیکه دلش شک و ریب دارد تمیز نمیدهند و میش را از گرگ نیمشناسند علماء ایشان بدترین خلق خدا در روی زمین میباشند بجهت آنکه تمایل بفلسفه و عرفان پیدامی کنند (یعنی تمایل بعلوم فلسفه یونان و عرفان صوفیه میشوند) و قسم بخدا که علماء

از راه شریعت اسلام بیرون رفته و حق را تحریف (و تبدیل) کرده‌اند
کوشش می‌کنند در محبت مخالفین ما (یعنی صوفیه و روساء آنها)
و شیعیان و دوستان ما را گمراه می‌کنند. اگر بمنصب و ریاستی برسند از
رشوه سیر نمی‌شوند و اگر بمنصبی نرسند خدا را از روی ریاء و تزویر
عبادت می‌کنند (یعنی مورد توجه مردم واقع شوند)

آگاه باشید که این گونه علماء دزدان راه مومنین هستند و دعوت
کنندگان بملت ملحدین و بی‌دینان میباشند و هرکس بایشان برسد از
آنها دوری کند و دین و ایمان خود را از شر آنها محفوظ بدارد. پس
حضرت عسکری (ع) فرمودند ای ابوهایم این مطلب از پدرم
از پدرانش از جعفر ابن محمد بما رسیده و از اسرار ما میباشد از غیر
اهلش پنهان بدار.

حریص شدن مردم بمال دنیا

۲۵- از کتاب نهج البلاغه است امیر مومنان (ع) فرمودند زمان سختی
بمردم میرسد که ثروتمندان مال دنیا را محکم برای خود نگهداری
می‌کنند در صورتی که باین کار مأمور نیستند خداوند عالمیان فرموده
ولا تنسوا الفضل بینکم یعنی فراموش نکنید که زیادی مال را در ما بین
خودتان بیکدیگر بدهید (یعنی آنرا از جهت حرص بر مال زکاه و خمس
و حقوق واجب و مستحب مال خود را نمیدهند و بآدمیان محکم
آنرا گرفته‌اند)

مردمان بد را در آن زمان بلند مرتبه می‌کنند و مردمان خوب و نیکوکار را

خوار و بیمقدار می‌شمارند و با درماندگان و بیچارگان (که می‌خواهند اثاث خود را از روی بیچارگی بفروشند) معامله می‌کنند در صورتی که رسول خدا (ص) از معامله مضطربین نهی فرموده است (یعنی باید به آنها کمک احسان کرد نه اینکه اثاث آنها را بقیمت یا کمتر از قیمت خریداری کرد).

حال طبقات مختلف مردم آخر زمان

۲۶- از مجلد ۲۳ بحار الانوار است: عن النبی (ص) انه قال یاتی علی امتی زمان یكون امرائهم علی الجور و علمائهم علی الطمع و قلة الورع و عبادتهم علی الریاء و تجارهم علی اكل الربا و کتمان العیب فی البیع و الشری نساءهم علی زینه الدنیا فعند ذالک یسلط علیهم شرارهم فیدعوا خیارهم فلا یتجاب لهم

یعنی رسول خدا (ص) فرموده‌اند زمانی بامت من میرسد که کار امیران آنها جور و ستمکاری است و بناء زنهای آنها بر زینت دنیا، پس در این هنگام بدان ایشان بر ایشان مسلط میشوند و خوبانشان هم دعاء می‌کنند ولی دعای آنها مستجاب نمیشود (یعنی چون مستحق بلا و عذاب و شکنجه شده‌اند دعای آنها مستجاب نمیشود و گرفتاری و بلا از آنها دور نمیگردد).

حال زنان آخر زمان

۲۷- از کتاب من لایحضره الفقیه است عن اصبح ابن نباته عن امیرالمومنین (ع) قال سمعته یقول یظهر فی آخر الزمان و اقرب الساعه

و هو شر الازمنه نسوه كاشفات عاريات متبرجات، خارجات من الدين، داخلات في الفتن، مائلات الى الشهوات، مسرعات الى اللذات، مستحلات المحرمات، في جهنم خالذات

یعنی در آخر زمان و موقع نزدیک شدن ساعت (یعنی ساعت ظهور امام) و آنزمان بدترین زمانها است ظاهر میشود زنانی که سر و صورتشان باز است و تنشان برهنه است و با زینت و آرایش خود را جلوه میدهند، و از دین خدا بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها (یعنی در امور جامعه) داخل میشود و بشهوات راغب میباشند و بسوی لذتهاشتاب و سرعت می‌کنند و حرامهای دین خدا را حلال می‌شمارند (این گونه زنان) همیشه در جهنم مخلد خواهند بود (خلاصی نخواهند داشت)

۲۸- و از کتاب حياه الحيوان دمیری در ماده (بخت) است از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

سيكون في آخر هذه الامه رجال يركبون الميثر حتى ياتوا بواب مساجدهم، نسائهم كاسيات عاريات على روسهن. كاسنمه البخت العجاف العنوهن فانهن ملعونات

یعنی رسول خدا (ص) فرموده‌اند در آخر این امت مردانی میباشند که بر میاثر سوار میشوند (و میاثر یعنی دوشکها) و تا بدرب مسجدها می‌آیند، زنان آنها، هم پوشیده‌اند و هم برهنه، بالای سر آنها مانند کوهان شتر بگونه‌ای سرهای خود را درست می‌کنند که بشکل کوهان شتر دیده می‌شود می‌باشد، بر آن زنان لعنت کنید که آنها لعنت شده هستند.

۵۰ وقت ظهور

۲۹- و در کتاب نوائب الدهور میر جهانی از مجمع الزوائد نقل کرده که رسول خدا (ص) فرموده‌اند از شرط های آمدن ساعت این است که ظاهر میشود بخل و فحش و خیانتکار امین شمره میشود و امین را خائن شمارند و لباسهائی که چون پوشیدند هم پوشیده‌انده و هم برهنه‌اند و اشخاص پست مقامشان بالا رود و اشخاص شریف و نجیب مرتبه ایشان پست شود.

مؤلف گوید: ای خواهر و برادر مسلمان اگر بحقیقت می خواهی مسلمان باشی مواظب باش خودت و دخترت مثل این مردم نباشی که رسول خدا و امیرمومنان (ع) آنها را لعنت کرده و فرموده‌اند از دین اسلام خارج و همیشه اهل جهنم میباشند.

فساد حال جوانان و مردمان و علماء

آخر زمان و نصیحت و دلسوزی پیغمبر اسلام بحال آنها

۳۰- در کتاب مکارم الاخلاق طبرسی است که رسول خدا (ص) در روایت مفصلی باین مسعود فرمودند، بعد از من جمعیت هائی می آیند که طعام های نیکو و رنگارنگ میخورند و بر مرکوب ها سوار می شوند و خود را زینت میدهند مانند آنکه زنی خودش را برای شوهرش زینت دهد و آرایش کرده خود را جلوه میدهند مانند جلوه دادن زنان و هیئت و لباس آنها مانند پادشاهان جبار است اینها منافقین امت منند در آخر زمان، اینها مردمانی شراب خوار و قمارباز و شهوت رانند، بجماعات مسلمین حاضر نمیشوند (یعنی بنماز جماعت و مجالس دینی مسلمین حاضر

وقت ظهور ۵۱

نمیشوند) شبها نماز نخوانده میخوابند، صبح ها هم نماز را ضایع می کنند (و نمیخوانند) خداوند تبارک و تعالی (در قرآن میفرماید:

فخلف من بعد هم خلف اضاثوا الصلاه و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا یعنی ای پسر مسعو، مثل آن مردم مانند دفلی (یعنی گل خرزهره) است ظاهر آن نیکو و مزه آن تلخ است کلام آن مردم حکمت (ودانش) است ولی اعمال آنها مرضی هست که قبول دواء نمیکند آیا آن مردم تدبر و تفکر در آیات قرآن نمی کنند (که به بینند بحکم آیات قرآن نتیجه اعمال آنها چه خواهد بود) یا بر قلبهای آنها قفل خورده (باز نمیشود که چیزی بفهمند).

ای پسر مسعود چه فایده است برای کسی که در دنیا به نعمتها متنعم باشد ولی (در آخرت) همیشه باتش سوزان گرفتار شود، آن مردم ظاهری از زندگانی دنیا را میدانند ولی از آخرت غافل میباشند خانه ها میسازند قصرهای محکم بنا می کنند و مسجدهای خود را منقش و زینت دار میکنند ولی همت آنها نیست مگر برای دنیا، چسبیده اند بدنيا و بان اعتماد و اطمینان دارند خدای آنها شکمهای آنها است

خدای تعالی (در قرآن) فرموده:

و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون، و اذا بطشتم بطشتم جبارین فاتقوا الله و اطیعون.

یعنی خانه ها برای خود میسازند که شاید همیشه در دنیا بمانند و هرگاه غضب می کنند ظلم و جور می کنند (یعنی البته چنین نیست و همیشه در دنیا نخواهید ماند) پس از خدا بترسید و امر مرا اطاعت کنید و خدای

تعالی (در قرآن) فرموده:

افرایت من اتخدالهه هواه واضله الله علی علم وختم علی سمعه وقلبه
وجعل علی بصره غشاوه فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون.

(سوره جاثیه آیه ۲۳) یعنی چنین شخص، منافق میباشد که هوای نفس
خودش را دین خود و شکمش را خدای خود قرار داده هر چه دلش
بخواهد چه حلال باشد و چه حرام خودداری نمی کند خدای تعالی
فرموده وفرحوا بالحیاه الدنیا وما الحیاه الدنیا فی الاخره الامتاع یعنی
بزندگی دنیا خوشحال میشود در صورتی که زندگی دنیا در نزد زندگی
آخرت نیست مگر چیز کمی.

ای پسر مسعود محراب عبادت آن مردم زنان ایشان هستند (یعنی بوسیله
زنان و روبرف آنها دنیا پرستی می کنند) و شرف آنها درهم و
دینار (پول آنها) است و همت آنها درباره شکم خودشان میباشد این
مردم بدترین مردمانند، فتنه از آنها پیدا میشود و بسوی خودشان
بازگشت میکنند، ای پسر مسعود شکم آنها سیر نمیشود و قلبشان (برای
خدا) خاضع نمیگردد.

از مردم منافق آخر زمان کناره گیری کنید

تتمه روایت سابق است: ای پسر مسعود، اسلام در اول بحالت غربت
شروع شد و بزودی بحال غربت برمی گردد (و مردم مسلمان حقیقی
غریب می شوند) پس خوش بحال آن مردم غرباء هر کس از شما چنان
زمانی را دریابد در اجتماع آن مردم حاضر نشود و بر آنها سلام نکند و

جنازه مردگان آنها را تشییع نکند و بیعت مریضهای آنها نرود زیرا آنها بظاهر برویه شما هستند و مانند سخن شما میگویند ولی اعمال آنها مخالف اعمال شما است و (در آخر کار هم) بغیر ملت (و دین) شما از دنیا میروند آنها از من نیستند و من هم از آنها نیستم.

حسرت و عذاب منافقین در قیامت

تمه روایت سابق است:

ای پسر مسعود، البته از غیر خدا نترس خدای تعالی (در قرآن) میفرماید اینما تکنونوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده، و میفرماید یوم یقول المنافقون والمنافقات الذین آمنوا انظر وناقتبس من نورکم قیل ارجعوا ورائکم فالتمسوا نورا فضرِبَ بینهم بسورله باب باطنه فیہ الرحمه و ظاهره من قبله العذاب ینادونهم الم نکن معکم قالو بلی ولکنکم فتنتم انفسکم و تربصتم وغرتکم الامانی حتی جاء امرالله و نحرکم بالله الغرور فالیوم لایؤخذ منکم فدیة ولامن الذین کفروا ماواکم النار هی مولاکم وبتس المصیر (سوره حدید آیه ۵۱)

یعنی هر کجا باشید مرگ شما را میابد اگر چه در برج های بلندی جای گرفته باشید - و خدا میفرماید روز قیامت مردان منافق و زنان منافق باهل ایمان می گوید بما مهلت بدهید که ما از نور شما استفاده کنیم جواب به آنها می گویند که (اگر میخواهید دارای نور باشید باید) برگردید بدنیا و از آنجا نور (بوسیله ایمان و اطاعت خدا) بجوئید در این حال ما بین منافقان و اهل ایمان حصاری کشیده میشود و آن حصار دری دارد که در باطن

و درون آن رحمت است و از طرف ظاهرش عذاب است. منافقان فریاد می‌کنند که اهل ایمان آیا ما (در دنیا) باشماها نبودیم (اکنون از هم جدا شده شما در رحمت و مادر عذاب واقع شدیم) جواب می‌گویند بلی درد دنیا باهم بودیم ولیکن شما خودتانرا (بواسطه ایمان نیاوردن و کارهای بد کردن) به فتنه و هلاکت انداخته‌اید و انتظار نابودی اهل ایمانرا داشتید و در کاردین بشک و ریب بودید و آرزوهای دنیا شمارا فریب داد تا وقتی که مرگ فرا رسید و شیطان فریبده (تادم مرگ) شمارا فریب داده (از خدا غافل کرد) پس امروز (برای نجات هیچیک) از شما منافقان و کافران فدیة و عوضی پذیرفته نمیشود و منزلگاه همه شما آتش و آن آتش برای شما سزاوارتر است و بد جایگاهی است که به آن برمی‌گردد.

پیغمبر مردم منافق آخر زمان را لعنت کرده

ای پسر مسعود برآن مردم (فاسد آخر زمان) لعنت از طرف من و از طرف جمیع انبیاء مرسلین و ملائکه مقربین و بر آنها غضب خدا و سختی حساب در دنیا و آخرت باشد و خدای تعالی فرموده است:

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم
 ذالک بما عصوا و کانوا یعتدون کانوا الایتناھون عن منکر فعلوه لبئس
 ما کانوا یفعلون تری کثیرا منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت لهم
 انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون ولو کانوا ایومنون
 بالله والنبی وما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء ولیکن کثیرا منهم

فاسقون. (سوره مائده آیه ۷۸)

یعنی کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند بزبان داود و عیسی ابن مریم لعنت شدند از جهت آنکه آنها معصیت کار شده و از حد تجاوز می کردند حال آنها چنین بود که از کارهای بد که مرتکب می شدند یکدیگر را نهی نمی کردند و چه بسیار بد و ناشایست بود کارهایی که می کردند، بسیاری از منافقین را می بینی که با کافران دوستی می کنند و چه ذخیره ثی است که غضب خدا را برای خود پیش میفرستند و آنها در عذاب همیشه مخلد خواهند بود، و اگر آنها بخدا و پیغمبر و کتابی که بر او نازل شده ایمان آورده بودن کافر آنها دوست خود نمی گرفتند ولیکن بسیاری از آنها فاسق و بد کردارند.

حرص مردم آخر زمان بمال دنیا

(تمه سابق) ای پسر مسعود آن مردم حرص شدید (دنیا) اظهار میدارند و قطع (دوستی و احسان) از خویشاوندان خود می کنند و در کارهای خیر بی رغبت میشوند در صورتی که خدای تعالی (در قرآن) فرموده:

والذین ینقصون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل
و یفسدون فی الارض اولائک لهم اللعنه ولهم سوء الدار (سوره رعد آیه

(۲۵)

یعنی آنانکه با خدا پیمان محکم بستند (که او را اطاعت و عبادت کنند) و پس از آن عهد با خدا را می شکنند، و قطع میکنند آنچه را خدا امر کرده بود که وصل کنند، و در زمین فساد و فتنه بر میانگیزند، ایشانرا

خدا لعنت کرده و برای آنها بدخانه‌ئی (در آخرت) مهیا شده است.
 و خدای تعالی فرموده: مثل الذین حملوا التوراه ثم لم یحملوها کمثل
 الحمار یحمل اسفاراً. (سوره جمعه آیه ۵)
 یعنی وصف حال آنکسانیکه (علم) تورات را گرفته (در سینه خود) جای
 دادند و در حقیقت آنرا برنداشته (یعنی عمل بان نکرده‌اند) مانند الاغی
 هستند که کتاب بر پشت او بار میشود (و هیچ از علم آن استفاده نمیبرد)
 بد مثلی است مثل آن قومی که آیات خدا را تکذیب کرده‌اند و خدا قوم
 ستمکار را هدایت نخواهد کرد.

مردم آخر زمان مانند گرگ میشوند

(تمه سابق) ای پسر مسعود زمانی بر مردم خواهد رسید که اگر کسی
 بخواهد صابر باشد و دین خودش را حفظ کند مانند کسی است که
 بخواهد آتش سوزانی را در کف دستش نگه داری کند در آن زمان (مردم
 مانند گرگ درنده خو میشوند) اگر کسی گرگ (صفت) باشد (می تواند
 با آنها معاشرت کند) و گرنه گرگها او را میخوردند.

علماء خائن آخر زمان و عذاب آنها

(تمه سابق) ای پسر مسعود علماء و فقهاء آنها خائن و فاجر (یعنی گنه
 کار) هستند آگاه بشاید که آنها بدترین خلق خدا هستند و همچنین
 پیروان آنها و کسانی که بآنها اقتداء میکنند و از آنها چیزی تعلیم میگیرند و
 آنها را دوست میدارند و با آنها مجالست میکنند و با آنها مشورت میکنند

(همه آنها) بدترین خلق خدا میباشند خدا آنها را داخل آتش دوزخ خواهد کرد در حالتی که کر و گنگ و کور باشند و برای آنها بازگشتی نمی باشد.

(خدا در قرآن فرموده) و نحضرهم يوم القيامة على و جوههم عمياً و بکما و صما مأواهم جهنم كلما خبت زدنا هم سعيراً كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب اذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا و هي تفور تكاد تميز من الغيظ، كلما ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا فيها و قيل لهم ذوقوا عذاب الحريق لهم فيها زفير و هم فيها لا يسمعون.

یعنی روز قیامت آنها را برو افتاده و کور و گنگ و کرمحشور میکنیم و منزل آنها جهنم است هر چه آتش آن خاموش شود باز آنها فروخته میکنیم آنچه پوست بدن آنها سوخته شود پوست دیگری بر تن آنها میپوشیم که عذاب را (بیشتر) بچشند و هرگاه در جهنم افتادند صدائی از آتش میشوند و آن آتش میجوشد و نزدیک است که آن آتش از غیظ (بر کافران) از هم شکافته شود، باز خدا میفرماید هر چه آنها میخواهند از آنجا بیرون آیند و از غصه آن آزاد شوند دوباره آنها را با آتش بر میگردانند (و میگویند) بچشید مزه آتش سوزان را، در آن آتش فریاد میکشند و گوش خودشان نمیشنود.

ای پسر مسعود آن علماء ادعا میکنند که بدین من و بسنت من و طریقه من و شریعت من میباشند ولی آنها (در حقیقت) از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم.

ای پسر مسعود با آنها در بین مردم هم نشینی نکنید و در بازار با آنها خرید و فروش نکنید و راه با آنها ننمائید و آب با آنها ندهید (زیرا) خدایتعالی فرموده: من کان یرید الحیاة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لا یبخسون (سوره هود آیه ۱۵) و خدایتعالی فرموده: من کان یرید حرث الدنیا نوته منها و ماله فی الاخرة من نصیب (سوره شوری آیه ۱۹).

یعنی کسانی که طالب تعیش مادی دنیا و زینت‌های آن هستند (و نظری با آخرت ندارند) ما نتیجه اعمال آنها را کاملاً در دنیا با آنها می‌دهیم و هیچ از مزد عملشان کم نخواهد شد (ولی) اینها کسانی هستند که دیگر در آخرت نصیبی جز آتش (دوزخ) ندارند و همه افکار و اعمالشان در دنیا ضایع شد، و باطل بود هر کاری که میکردند. و هر کس که (فقط) دنیا را می‌خواهد نصیبی از آن باو می‌دهیم ولی در آخرت نصیبی (از نعمت‌های ابدی) نخواهد داشت.

مسخ شدن عالم نماهای آخر زمان

(تتمه سابق) ای پسر مسعود چه قدر زبان عالم نمایان باین امت زیاد است زیرا آنها در مسند هدایت نشسته و خلق را گمراه می‌کنند، و قسم بخدائی که مرا بحق مبعوث (برسالت) کرده است البته البته خدا آنها را بصورت میمون و خوک مسخ خواهد کرد (اینها را رسول خدا فرمود) و شروع کرد بگریستن و تمام ماها هم از جهت گریه آنحضرت گریه کردیم و گفتیم یا رسول الله برای چه گریه کردی فرمود بجهت آنکه دلم

بحال آن اشقیاء سوخت. خدا (در قرآن) میفرماید:

ولو تری اذ فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب (یعنی العلماء و الفقهاء) (سوره سبا آیه ۵۰)

یعنی (ای رسول گرامی ما) اگر (سختی حال مجرمان را) مشاهده کنی هنگامیکه ترسان و هراسان میشوند و نمیتوانند فرار کنند و از مکان نزدیکی گرفته میشوند مقصود علماء و فقهاء میباشند.

مؤلف گوید: ای کسیکه این فرمایشات پیغمبر را میخوانی به بین چگونه عالم نماهای بدی در آخر زمان پیدا میشوند و شاید هم مقصود پیغمبر علماء بی دین عامه بوده که همراه با معاویه و بنی امیه و امثال آنها بودند العلم عند الله ولی تو اگر عالم خوبی را شناختی قدر او را بدان و دست از دامن او برندار و از او دین خود را تعلیم بگیر و بحال او هم رسیدگی کن که اگر میتوانی از او دلجوئی کن.

عقوبت طلب علم دین برای دنیا

(تمه سابق) ای پسر مسعود اگر کسی علم (دین را) تعلیم بگیرد و مقصودش آن باشد که از آن، منافع دنیوی بدست آورد و محبت دنیا و زینت آن را بر آخرت مقدم دارد مستوجب غضب خدا شده و در درک اسفل آتش با یهود و نصاری که کتاب خدا را بکنار افکندند محشور خواهد شد.

خدایتعالی (در قرآن) فرموده: فلما جائهم ما عرفوا کفروا به فلعنه الله علی الکافرین (در سوره بقره آیه ۱۷۹) یعنی چون (کتاب آسمانی که)

آنها میشناختند برای ایشان آمد بآن کافر شدند پس لعنت خدا بر کافرین باد.

ای پسر مسعود کسیکه قرآن را تعلیم بگیرد برای (استفاده دنیا و زینت آن خدا بهشت را بر او حرام میکند. ای پسر مسعود کسیکه علم (دین) تعلیم بگیرد و بآن عمل نکند خدا روز قیامت او را کور محشور میکند، و کسی که علم (دین) را برای ریاء و سمعه تعلیم بگیرد و مقصودش (استفاده) دنیا باشد خدا برکت را از او برمیدارد و معاش او را تنگ میکند و او را بخودش وامیگذارد و کسیکه خدا او را بخودش واگذار کند (یعنی او را از کار بد جلوگیری نکند) هلاک شده است.

خدایتعالی (در قرآن) فرموده فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً و لا يشرك بعبادة ربه احداً (در سوره كهف آیه ۱۱۰)

یعنی هر کس امیدوار لقای (رحمت) خدای خودش باشد باید اعمال صالحه و کارهای شایسته بجا آورد و در پرستش خدا احدی را با او شریک قرار ندهد.

با مردم نیک همنشینی کن

(تمه سابق) ای پسر مسعود، باید همنشینان تو مردمان نیکوکار و کسانیکه بمنزله برادر خود میگیری اشخاص با تقوی و بی رغبت بدنی باشند زیرا خداوند عالمان در کتاب خودش (قرآن مجید) میفرماید الاخلا یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین. (در سوره زخرف آیه ۶۷) یعنی کسانی که در دنیا با یکدیگر دوست بوده اند آنها در قیامت با

یکدیگر دشمن خواهند بود مگر آنها که اهل تقوی (و پرهیزکاری از گناه) بوده‌اند.

قلب مردم آخر زمان بسته شده

(تتمه سابق) ای پسر مسعود بدانکه آن کارهای خوب را (که خدا و پیغمبر فرموده‌اند خوب است) آن مردم بد می‌بینند و کارهای بد را (که خدا و پیغمبر فرموده‌اند بد است) خوب می‌بینند زیرا خدا قلبهای آنها را مهر کرده (یعنی بواسطه گناهان قلب آنها بسته شده و خوب و بد را معکوس می‌فهمند) پس در آن مردم کسی نیست که شاهد بحق باشد و قسط را برپا دارد (یعنی بعدالت رفتار کند) در صورتیکه خدا (در قرآن) فرموده کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین (در سوره نسا آیه ۱۳۴)

یعنی ای اهل ایمان شما بپا دارنده (عدالت و) قسط باشید و برای خدا (موافق حکم خدا) شهادت بدهید هر چند بر ضرر خودتان یا بر ضرر پدر و مادر و خویشان شما باشد.

بمال و مقام خود افتخار میکنند

(تتمه سابق) ای پسر مسعود آن مردم بجاه و مال خود بر یکدیگر افتخار میکنند و حال آنکه خدا (در قرآن) میفرماید:

و ما لا حد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی و لسوف یرضی (در سوره و اللیل آیه ۲۱)

یعنی برای انسان حق نعمتی نیست مگر کسی که در طلب رضای پروردگار اعلی از روی اخلاص کاری کرده باشد و او بزودی (در بهشت آخرت به نعمتهای ابدی) خوشنود خواهد گردید.

ای پسر مسعود بتو سفارش میکنم که (در قلب خود از خدا بترس و) نزد خدا خاشع و فروتن باشی و فرائض (و واجبات را بجا آوری خدایتعالی (در قرآن) میفرماید هو اهل التقوی و اهل المغفره (در سوره مدثر آیه ۵۵) یعنی خدا سزاوار است که مردم از او بترسند و پرهیزکار شوند و او اهل آمرزش گناه است و خدا (در قرآن میفرماید:

رضی الله عنهم و رضوا عنه ذالک لمن خشى ربه (در سوره بینه آیه ۸) یعنی کسانی که از خدا خشیت (و خوب) داشته باشند خدا از ایشان خوشنود است و ایشانهم از خدا خوشنود خواهند بود.

ای پسر مسعود چیزی که بتو نفع کامل ندارد رها کن و چیزی که تو را مستغنی میکند آنرا بگیر زیرا خدای تعالی در قرآن میفرماید:

لکل امرء منهم یومئذ شأن یغنیه (در سوره عبس آیه ۳۷) یعنی روز قیامت هر کس چنان گرفتاری دارد که به هیچکس نمیردازد.

از جهت زن و فرزند معصیت خدا نکن

(تتمه سابق) ای پسر مسعود مبادا اطاعت خدا را ترک کنی و رو بگناه بیاوری بجهت مهربانی باهل و عیال خودت (یعنی بخاطر دوستی زن و فرزند و بدلتخواه آنها اگر معصیت خدا است رفتار مکن) زیرا خدایتعالی (در قرآن) میفرماید:

يا ايها الناس اتقوا ربكم و اخشوه يوماً لا يجزى و الدعن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شيئاً ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحياة الدنيا و لا يغرنكم بالله الغرور (در سورة لقمان آیه ۳۳) یعنی ای گروه مردمان بترسید از پروردگار خودتان و از او خشیت قلبی داشته باشید از آنروزیکه هیچ پدری بحال فرزندش فلیده نخواهد داشت و هیچ فرزندی هیچ نفعی به پدر نمیرساند بدرستی که وعده خدا حق است پس زندهار زندگی دنیا شما را فریب ندهد و (از عقاب و عذاب خدا) شیطان شما را مغرور نگرداند (که یعنی بشما بگوید نترس خدا رحمان و رحیم است و غفور و کریم است حالا هر کار خواستی بکن خدا میبخشد، البته خدا غفور و کریم هست بجای خود و سریع العقاب هم هست بجای خود)

فریب دنیا را نخور

(تمه سابق) ای پسر مسعود حذر کن (و بترس) از دنیا و لذتهای آن و شهوتهای آن و زینت آن و خوردن مال حرام و از (فریب خوردن بطلا و نقره و زنان و ماشین زیرا خدایتعالی (در قرآن) میفرماید:

زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين و القناطير المقنطرة من الذهب و الفضة و الخيل المسومة و الانعام و الحرث ذالك متاع الحياة الدنيا و الله عنده حسن الثواب قل ائنيكم بخير من ذالكم للذين اتقوا عند ربهم جنات تجرى من تحتها الانهار خالدین فيها و ازواج مطهرة و رضوان من الله و الله بصیر بالعباد (در سورة آل عمران آیه ۱۲)

یعنی زینت داده شده در نظر مردم محبت شهوات نفسانی که عبارت از میل بزنان و فرزندان و کمربندهای طلا و نقره و اسبان سواری نشاندار و چهارپایان (یعنی گوسفند و گاو و شتر) و زراعت، باشد همه اینها اسباب زندگانی پست است که دنیا باشد و نزد خدا جای خوب و بازگشت نیکو موجود است، ای پیغمبر بآنها بگو آیا میخواهید شما را خبر دار کنم بجائیکه بهتر از این باشد، برای آنانکه اهل تقوی (و پرهیزکاری از گناه) هستند در نزد خدای خودشان موجود است بهشتهائی که نهرهای آب در زیر (درختان) آن جاری میباشد و همیشه در آنجا خواهند ماند و زنان پاکیزه (و آراسته برای آنها آماده است) و (از همه بهتر) خوشنودی خدا شامل حال آنها است (زیرا این خوشنودی خدا موجب است که دائم نعمت بر آنها زیاده گردد) و خدا بحال بندگان خودش بینا میباشد.

ای پسر مسعود البته البته بخدا مغرور نشوی و بدرستی خودت و باعمال صالحه و نیک و عبادت خودت مغرور نشوی (یعنی گمان نکنی که کار تو اصلاح شده و دیگر خراب نخواهد شد بلکه باید از شر شیطان و نفس اماره خائف باشی و از خدا توفیق و حسن عاقبت بخواهی).

چون قرآن میخوانی در معنی آن فکر کن

(تتمه سابق) ای پسر مسعود وقتی که کتاب خدا (قرآن مجید) را میخوانی هرگاه بآیهئی رسیدی که خدا در آن امر یا نهی فرموده آنرا

مکرر بخوان و در آن دقت و تأمل کن که از آن استفاده کنی و آنرا فراموش نکن زیرا نهی خدا تو را بترک معاصی راهنمایی میکند و امر خدا تو را به نیکی و صلاح راهنمایی مینماید خدا در (قرآن) میفرماید:

فکیف اذا جمعناهم لیوم لا ریب فیه و وفیت کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون (در سوره آل عمران آیه ۲۴) یعنی چگونه خواهد بود حال آنها (و چه عذاب و ذلتی بآنها میرسد) هنگامیکه آنها را جمع کنیم در روزی که شکی در آن نیست (و خواهد آمد) و هر کسی بتمام جزای اعمال خودش خواهد رسید و ستمی بکسی نخواهد شد.

گریه گنه کاران در قیامت

(تمه سابق) ای پسر مسعود البته هیچ گناهی را حقیر و کوچک نشمار و از گناهان کبیره پرهیز کن، زیرا چون بنده روز قیامت گناهان خود را به بیند از (شدت) گریه خون و چرک از چشم او جاری خواهد شد خدایتعالی (در قرآن) میفرماید:

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء تود لوان بینها و بینه امدأ بعیداً (در سوره آل عمران آیه ۳۰) یعنی روز قیامت هر کس هر کار خیری کرده پیش روی خود حاضر می بیند و هر کار بدی که کرده آرزو میکند ایکاش بین او و آن کار بد مسافت دوری بود (که آنرا نمیدید).

ای پسر مسعود هرگاه بتو گفته شد از خدا بترس (بتو ناگوار نشود و) غضب نکن زیرا خدا (در وصف مردمان بد میفرماید:

و اذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم (در سوره بقره آیه ۲۰۲) چون (از راه نصیحت باو بگویند از خدا بترس غرور و خودپسندی او را به بدکاری برانگیزد پس جهنم برای او کفایت است. ای پسر مسعود آرزو و آمال خود را کوتاه کن چون صبح شد بگو (معلوم نیست من تا شب زنده بمانم) شب نمیکنم و چون شب شد بگو (با خودت) من صبح نمیکنم و بازم بر مفارقت دنیا باش و ملاقات (رحمت) خدا را مکروه مدار زیرا خدا ملاقات کسی را دوست میدارد که او ملاقات خدا را دوست بدارد و لقای کسی را مکروه دارد که او لقای خدا را مکروه میدارد.

خوردن ربا و مسکرات خیلی سخت است

(تتمه سابق) ای پسر مسعود قسم بآنخدائیکه مرا بحق مبعوث (برسالت) کرده است البته زمانی بمردم میرسد که خوردن شراب را حلال می‌شمارند و اسم آنرا آب کشمش میگذارند بر آنها لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم، من از آنها بیزارم و آنها نیز از من بیزار میباشند. ای پسر مسعود اگر کسی با مادر خودش زنا کند در نزد خدا آسانتر است که بقدر یک خردل مال ربا در اموال خودش داخل کند و کسیکه چیزهای مست کننده بیاشامد چه کم و چه زیاد در نزد خدا سخت تر است از آنکه ربا بخورد زیرا که خوردن مسکرات کلید تمام کارهای بد است.

برای دنیا باطل را حق و حق را باطل میکنند

(تتمه سابق) ای پسر مسعود آنمردم به نیکوکاران ظلم میکنند و فاسقین را تصدیق مینمایند حق در نزد آنها باطل است و باطل نزد آنها حق است، برای خاطر دنیا در بین آنها چنین مرسوم شده وگرنه خودشان هم میدانند که بر غیر حق میباشند ولیکن شیطان اعمال آنها را در نظرشان زینت داده و آنها را از راه راست باز داشته پس آنها هدایت نمی یابند و بهمین زندگی دنیا خوشنودند میباشند و (خدا میفرماید) کسانی که از آیات ما غافل شده اند جایگاه آنها آتش (دوزخ) است بواسطه چیزهاییکه خودشان کسب کرده اند.

ای پسر مسعود خدا میفرماید کسیکه زندگانش چنین است که از یاد خدا فراموش دارد ما شیطانی بر او موکل میکنیم که همیشه همراه او است و آن شیطان او را از راه راست باز میدارد (و کارهای بد میکند) در صورتیکه گمانش این است که هدایت یافته است (و کار خوب میکند) و چون (از دنیا رفت و بعالم آخرت) نزد (محکمه عدل) ما آمد میگوید ای کاش ما بین من و تو (شیطان و نتیجه اعمال ناشایست) از مشرق تا مغرب فاصله بود و او بد همنشینی میباشد.

مردم را برای دین داری سرزنش می دهند

(تتمه سابق) ای پسر مسعود آن مردم سرزنش و عیب گوئی میکنند کسی را که بسنت (و طریقه) من عمل کند و واجبات دین خدا را بجا آورد و خدا (در قرآن) میفرماید: فاتخذتموهم سخریاً حتی انسوکم

ذکری و کنتم منهم تضحکون انی جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون (در سوره مؤمنون آیه ۱۱۲).

یعنی شما بندگان مرا، مسخره کردید و از این رو یاد مرا فراموش کرده بآنها می خندیدید، من هم امروز که قیامت است جزای آنها را (نیکو) دادم بواسطه آنکه صبر میکردند ایشانند که رستگار شدگانند (از کتاب مکارم الاخلاق طبرسی است).

آبادی و خرابی شهر بغداد

در آن خبر مفصلی که مفضل نقل کرده میگوید از حضرت صادق (ع) پرسیدم در آن روز دارالفاسقین (یعنی بغداد) چه وضعی دارد فرمود مشمول لعنت و غضب خداوند است فتنه‌ها (و آشوبها) آنرا خراب (و ویران) میکند و بکلی متروک میماند، وای بر آنشهر و مردم آن شهر از خطر لشکری که با پرچمهای زرد و از خط لشکری که با پرچمهای خود از مغرب زمین میآیند و از خط کسیکه جزیره را فتح میکند و لشکریکه از دور و نزدیک بآن شهر میروند.

بخدا قسم انواع عذابهایی که بر امتهای متمرده (و سرکش از اطاعت خدا) از اول خلقت تا آخر عالم نازل شده و میشود بر آنها نازل خواهد شد و عذابهایی بر آنها نازل میشود که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و طوفان شمشیر (و جنگ) آنها را فرا میگیرد وای بر آنکسی که آنجا را مسکن خود قرار دهد زیرا هر کس در آنجا مقیم شود از شقاوت او است و هر کس از آنجا خارج شود برحمت خدا بود.

بخدا قسم مردم آنجا چنان غرق در ناز و نعمت و عیش و نوش میشوند که میگویند دنیا همین است و خانه‌های آن همان قصر بهشت است و دختران (زیبای) آن همان حورالعین هستند و جوانان آن همان جوانان بهشت میباشند و چنین گمان میکنند که خدا روزی بندگانرا تقسیم نکرده مگر در آنجا.

و البته ظاهر میشود در آنشهر افتراء بخدا و رسول، و حکم بغیر کتاب خدا، و شهادت دروغ، و شرابخواری و زنا کاری و خوردن مال حرام و خونریزی بقدری که در تمام دنیا (در هیچ شهری) چنان نباشد آنگاه خداوند آنشهر را بوسیله آن آشوبها و آن پرچمها چنان خراب میکند که چون رهگذری از آنجا میگذرد (از روی تعجب) میگوید شهر زوراء اینجا بوده است.

۳۱- مذمت شهری و آبادی و خرابی آن و گویاری همین تهران باشد در کتاب چهاردهم بحار است که حضرت صادق (ع) فرمودند شهری و قزوین و ساوه ملعون میباشند (یعنی از رحمت خدا دورند) و از کتاب خرایج قطب راوندی است که در کتاب توراة نوشته است که ری دری از درهای زمین است و محل تجارت مردم بسوی آنجا است و - اصمعی گفته که ری عروس دنیا است و محل تجارت مردمان خواهد بود.

۳۲- وای بر شهری از دو طرفش

در کتاب چهاردهم بحار الانوار علامه مجلسی است که عبدالله ابن سنان از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسید بلاد جبل کجا است که روایت بما رسیده که چون امر (امامت) بشما بازگشت کند بعضی از آن بزمین فرو میرود آنحضرت فرمود در آن بلاد جبل موضعی هست که آنرا دریا میگویند و قم نامیده میشود و آنجا معدن شیعیان ما میباشد.

اما (شهر) ری پس وای بر آن (از صدمه‌ئی که) از دو طرفش (بآن میرسد) و امن (و امانی) که در ری هست از جهت قم و اهل قم میباشد از آنحضرت پرسیدند دو طرف ری کجا است فرمود یکی بغداد و دیگر خراسان است شمشیر (و جنگ) اهل بغداد و خراسان در آنجا بیکدیگر خواهد رسید و خدا تعجیل در عقوبت (و عذاب) اهل ری میکند و آنها را هلاک خواهد کرد پس اهل ری پناه بقم میبرند و اهل قم آنها را جای میدهند و بعد از آن منتقل بموضعی میشوند که اردستان نامیده میشود. کتاب تاریخ قم

۳۳- کوفه و قم در امان خواهد بود

از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود هرگاه همه شهرها را فتنه فرا گرفت بروید بقم و اطراف و نواحی آن که بلاء از آنجا دفع شده است.

و باز از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود چون بلاها همه جا را گرفت امان در کوفه و اطراف آن و در قم می‌باشد و قم خوب

موضعی است برای کسی که خائف و در بدر شده باشد.
و باز از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود هر گاه امنیت از شهرها برداشته شد و مردم بر اسبها سوار شده از زنان و بوی خوش کناره گیری کردند (یعنی مهیای جنگ شدند) پس شما از همسایگی آنها فرار کنید گفتیم قربانت گردیم بکجا برویم فرمود بکوفه و اطراف آن به قم و اطراف آن که بلاء از آن دو دفع شده است (از کتاب تاریخ قم).

۳۴- اگر برادران اهل قم خیانت کنند ظالم بر آنها مسلط می شود
از کتاب تاریخ قم است که حضرت صادق علیه السلام فرموده اند شهر قم شهر ما (آل محمد) و شهر شیعیان ما می باشد پاک و پاکیزه است و ولایت ما اهل بیت پیغمبر را قبول کرده و هیچکس اراده سوئی به آن نمی کند مگر آنکه خدا بعقوبت (و عذاب) او تعجیل می کند مادامیکه برادرانشان خیانت نکرده باشند و اگر کردند خدا مردمان بد را بر آنها مسلط می گرداند (پس از آن فرمود) اهل قم یاوران قائم ما (آل محمد) و مراعات کننده حق ما می باشند پس سر بسوی آسمان بلند کرده (در حق ایشان دعاء کرده) گفت خدایا آنها را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده

۳۵- شهر قم معدن علم و فضل می باشد

در کتاب چهاردهم بحار الانوار است که حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام فرموده اند بزودی کوفه از مؤمنین خالی می شود و علم در آنجا سر زمین فرو می برد چنانکه مار بسوراخ خود می رود و پس از آن در شهری علم ظاهر می شود که آنرا قم می گویند و آن شهر معدن علم و فضل است (و از آنجا علم بمردم می رسد) حتی آنکه باقی نماند در روی زمین کسی که مستضعف در دین باشد (یعنی دین اسلام با و گوشزد نشده باشد) حتی زنان در حجله ها و این مطلب در نزدیکی ظهور قائم ما (آل محمد) خواهد بود.

پس خدا قم و اهلش را قائم مقام حجت خودش قرار می دهد و اگر چنین نبود زمین و اهلش را بخود فرو می برد و حجت (دلیل) در روی زمین باقی نمی ماند پس چنان می شود که علم از شهر قم بسایر بلاد از مشرق تا مغرب عالم می رسد و حجت (و دلیل) خدا بر خلق تمام می شود و چنان می شود که هیچکس در روی زمین نباشد که دین و علم به او نرسیده باشد پس از آن (حضرت) قائم علیه السلام ظاهر می شود و سبب عذاب و غضب خدا بر مردم فراهم می گردد زیرا خدا از بندگان انتقام نمی گیرد مگر بعد از آنکه حجت (و دلیل خدا) را منکر شده باشند (از کتاب تاریخ قم)

۳۶- اهل قم حجت بر خلائق می باشد

از کتاب چهاردهم بحار است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت فرمود زمانی می رسد که شهر قم و اهل آن شهر حجت بر خلائق می شوند و آن در زمام غیبت قائم ما

(آل محمد) خواهد بود تا زمان ظهور آن حضرت و اگر چنین نبود زمین اهلش را بخود فرو می برد و ملائکه بلاء را از او و اهلش دفع می کنند و هیچ ظالم جباری قصد سوئی به قم نمی کند مگر اینکه خدائی که پشت جبارین را می شکند پشت او را هم می شکند و آن ظالم را ببلائی و مصیبتی و به دشمنی مشغول می کند که آنها را فراموش کند و خدا جبارین (و ظالمان) را در دولت خودشان از قم و اهل آن فراموشی می دهد چنانچه یاد خدا را فراموش کرده اند (از کتاب تاریخ قم)

۳۷- زمانی که مردم از علماء فرار می کنند

از کتاب مستدرک الوسائل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند زمانی بمردم می رسد که از علماء فرار می کنند مانند آنکه گوسفند از گرگ فرار می کند (در آنزمان) خدا مردم را به سه چیز مبتلا می کند اول آنکه برکت را از امولشان بر می دارد دوم آنکه سلطان جائر (و ظالم) بر آنها مسلط می کند سوم آنکه بی ایمان از دنیا خارج می شوند.

۳۸- وای بر فرزندان آخر زمان از پدرها

از کتاب جامع الاخبار نقل است از رسول خدا (ص) روایت شده که آنحضرت به بعضی از بچه ها نگاه می کرد و فرمود وای (از صدمه ئی که) بر بچه های آخر زمان از طرف پدرانشان به آنها می رسد اصحاب گفتند یا رسول الله از پدران ایشان که مشرک (و کافر) هستند فرمود نه از پدران ایشان که مؤمن هستند. (زیرا ازفرائض (احکام دین خدا)

چیزی به آنها تعلیم نمی دهند و اگر اطفال خودشان در صدد یاد گرفتن احکام دین برآیند آنها را منع می کنند و خشنود می شوند از آنها که از مال و مقام ناچیز دنیا چیزی بدست آورند من از آنگونه اشخاص بیزارم و آنها از من بیزارند.

۳۹- زمانی می رسد که احکام دین را تغییر می دهند

از کتاب احتجاج، امیرمؤمنان علیه السلام فرمود بعد از گذشتن زمانی از مرگ من پادشاهان می آیند و بعد از آنها کسانی می آیند که دین خدای عزوجل را تغییر می دهند و کلام خدا را تحریف (و عوض) می کنند و اولیاء خدا را می کشند، و بوسیله آنها بدعت ها زیاد می شود و سنت پیغمبر کهنه می شود تا آنکه زمین پر شود از جور و دشمنی و بدعت پس از آن خدا بوسیله ما اهل بیت (نبوت) جمیع بلاها از اهل دین و دیانت که دعوت (بسوی) خدا می کنند برداشته می شود بعد از آنکه شدت بلاء عظیم بآنها رسیده باشد و چنان می شود که زمین پر شود از قسط و عدل بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.

و از کتاب روضة الواعظین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند زمانی بمردم می رسد که علماء در آنزمان کشته می شود مانند آنکه دزدها می کشند همانگونه که دزدها را می کشند پس ایکاش علماء در آنزمان خود را بحماقت (و نادانی) میزند (یعنی ای کاش خود را ابله و نادان وانمود می کردند که کشته نشوند).

۴۰- منبر رفتن رسول خدا در آسمان اول

از کتاب غیبت نعمانی است یونس ابن ظبیان می گوید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند شب جمعه ئی می شود که خدای تبارک و تعالی فرشتگان خود را با آسمان دنیا (یعنی آسمان اول) می فرستد و چون وقت طلوع فجر (یعنی موقع نماز صبح) شد منبری از نور در نزد بیت المعمور نصب می کند و حضرت محمد و علی و حسن و حسین بر آن منبر بالا می روند و خدا امر می کند که ملائکه و پیغمبران و (ارواح) مؤمنین پای آن منبر مجتمع شوند، و درهای آسمانرا باز می کند و چون هنگام ظهر شد رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید و پروردگارا چه شد آن وعده ئی که در کتاب خود (قرآن مجید) داده ئی.

و آن وعده این است که خدا فرموده

وعد الله الذین آمنو منکم و عملو الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدونی و لایشرکون بی شیئا (در سوره نور آیه ۵۵)

یعنی خدا وعده داده است بکسانی که ایمان داشته باشند و اعمال شایسته کنند البته البته (منصب) خلافت بآنها بدهد در روی زمین چنانکه بامت های گذشته خلافت (یعنی حکومت و اقتدار) داده بود و قدرت و تمکن بآنها بدهد در دینی که برای آنها پسندیده (و آن دین اسلام است) و البته بعد از خوف و ترس از دشمنان ایمنی (کامل)

بآنها بدهد که مرا بدون هیچ شائبه شرک عبادت و پرستش کنند.
 و چون رسول گرامی اسلام چنین تقاضائی از خدا کند که یا رب حال
 دیگر بآن وعده وفا کن ملائکه و پیغمبران هم همین را می گویند و پس
 از آن (حضرت) محمد و علی و حسن و حسین برای خدا بسجده
 می افتند و می گویند پروردگارا (برو بندگان بیدین) غضب کن زیرا
 احترام تو را هتک کردند و برگزیدگان تو را کشتند و بندگان نیکوکار تو
 را خوار کردند آنوقت خدا هر چه را می خواهد خواهد کرد و آنوقت
 است وقت معلوم

نصیحت دوستانه

ای برادر و خواهر مسلمان به بین چه روزگار بدی پیش می آید و مردم
 چقدر بی اعتنائی بخدا و رسول می کنند و معصیت کار می شوند که
 رسول خدا با آنکه رحمة للعالمین است بسجده می افتد و آنها را نفرین
 می کند که خدایا غضب خودت را بایشان نازل گردان و آنوقت خدا
 حضرت حجت را با شمشیر برای قطع کردن ریشه معصیت کاران و
 ستمکاران میفرستد.

ای عزیز من تو ملتفت باش راجع بکسب و کار خودت و راجع بزن و
 دختر خودت و راجع بنماز و روزه خودت و راجع بحلال و حرام و
 راجع بمال مردم و راجع باحکام قرآن طوری رفتار کنی که مورد غضب
 خدا و نفرین رسول خدا نباشی و بنفرین پیغمبر گرفتار نشوی
 تو از عالم صحیح بپرس که این کارها که میکنی مورد رضای خدا و

رسول و موافق قرآن و دین تو هست یا نیست و آیا بعداً نتیجه بد دارد یا ندارد اگر ببلاء دنیوی و عذاب آخرت گرفتار نمیشوی آنوقت بکن ولی اگر می دانی که این کارها مخالفت قرآن و دین و آئین است و موجب غضب خدا و بلاء دنیا و آخرت است نکن و همشکل اهل زمانه نشو که اهل زمانه یکذره بلاهای نازلۀ بر تو را بدوش نمی کشند و عذاب آخرت تو را بعوض تو قبول نخواهند کرد.

عنوان چهارم: علامات حتمیۀ ظهور امام زمان (ع)

علائم حتمی پنج است که همه آنها نزدیک و متصل بظهور می باشد از کتاب کمال الدین صدوق علیه الرحمه است از حضرت امام صادق علیه السلام که فرمود پیش از ظهور (حضرت) قائم (عجل الله فرجه) پنج علامت حتمی هست (که حتماً واقع خواهد شد) خروج یمانی و خروج سفیانی و صیحه و قتل نفس زکیه و فرو رفتن لشکر (سفیانی) در صحراء بیداء

اول: یمانی کیست

از کتاب غیبت نعمانی است:

در روایت ابوبصیر که حضرت امام باقر علیه السلام فرمود خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یکسال و یکماه و یکروز واقع خواهد شد و در میان آن پرچمهای سه گانه، پرچمی از یمانی هدایت کننده تر

نیست و آن پرچم هدایت است زیرا خلایق را بسوی حضرت صاحب الامر (عجل الله فرجه) دعوت می کند پس وقتی که یمانی ظاهر شد فروختن اسلحه ی جنگ بر مسلمانان حرام است (چون مورد احتیاج خود مسلمین است) و چون او خروج کرد با او قیام کنید زیرا پرچمش پرچم هدایت است و بهیچ مسلمانی حلال نیست که از او سرپیچی و مخالفت کند و هر کس سرپیچی کند از اهل دوزخ خواهد بود.

دوم: سفیانی کیست

۱- از کتاب کمال الدین صدوق است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند پدرم از جدم امیر المؤمنین علیه السلام نقل فرموده که پسر هند جگر خوار (سفیانی) از بیابان خشک خروج می کند او مردی متوسط القامه می باشد و صورتش وحشتناک و سرش ضخیم است و رویش اثر آبله دارد اگر او را ببینی گمان می کنی یک چشمی است او از اولاد ابوسفیان می باشد.

و از کتاب شیخ طوسی است از بشر ابن غالب روایت کرده که سفیانی از بلاد روم بحال نصرانیت می یاید و صلیب (که علامت نصرانیت است) بگردن دارد و او رئیس قوم است.

قتل و کشتار لشکر سفیانی در کوفه

۲- از تفسیر عیاشی است که جابر جعفی گفت حضرت امام محمد باقر

علیه السلام فرمودند (ضمن روایت مفصل) پس سفیانی و اصحابش ظاهر می شود و او را مقصدی نیست مگر آل محمد و شیعیان ایشان، لشکری بکوفه می فرستد و چون بآنجا رسیدند جماعتی از شیعه آل محمد را می کشد و جمعی را بدار می آویزد

در زمان سفیانی خورشید ساکن می شود

۳- از کتاب ارشاد شیخ مفید است که ابوبصیر گفت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شنیده درباره این آیه قرآن که خدا فرموده:
ان نشا نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین
یعنی اگر بخواهیم علامتی از آسمان بر ایشان نازل می کنیم که گردنکشان از آن متواضع می شوند، فرمود مقصود بنی امیه و تابعین آنها هستند و آن علامت این است که خورشید از ظهر تا وقت عصر از حرکت می ایستد و صورت و سینه مردی در خورشید بیرون می آید که مردم او را بحسب و نسب می شناسند و این در زمان سفیانی واقع خواهد شد و در این وقت هلاکت سفیانی و قومش خواهد رسید.

مدت سلطنت سفیانی چقدر است

۴- از کتاب کمال الدین صدوق است که عبدالله ابن ابی منصور گفت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نام سفیانی را پرسیدم که چیست آن حضرت فرمود با نام او چکار داری وقتیکه خزائن پنج شهر را متصرف شد دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرین در آنوقت

منتظر رسیدن فرج باشید گفتم مدت سلطنت سفیانی نه ماه است فرمود هشت ماه سلطنت می کند و یکروز زیاده نمی شود.

و خسف لشکر سفیانی و کشته شدن او در آخر علامات حتمیه ذکر خواهد شد که لشکرش ما بین مدینه و مکه بزمین فرو می روند و خودش بدست حضرت حجت علیه السلام کشته می شود.

سوم: صیحه آسمانی هم از علائم حتمیه است

۱- از کتاب کمال الدین صدوق است که ابو حمزه ثمالی می گوید خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم پدر بزرگوارت می فرمود خروج سفیانی از محتومات است و نداء از محتومات است و طلوع خورشید از مغرب از محتومات است و چیزی دیگر هم می فرمود از محتومات است گفتم نداء چگونه است فرمود منادی در اول روز از آسمان فریاد می کند، آگاه باشید که حق با علی و شیعه او می باشد و در آخر آن روز شیطان از زمین فریاد می کند، آگاه باشید که حق با عثمان و شیعه او می باشد، در این هنگام کسانی که اهل باطل هستند بشک می افتند.

نداء آسمانی و بشارت بظهور امام (ع)

۲- در ذیل آیه ما کان الله لیذّر المومنین علی ما انتم علیه در روایتی است از امام صادق علیه السلام نقل کردیم که در شب بیست و سوم

ماه رمضان ندای جبرئیل از آسمان می رسد که خوابیده ها را بیدار کند و اسم حضرت قائم و پدرش را می گوید و آخر روز بعد شیطان نداء می کند که عثمان مظلوم کشته شده است.

۳- در کتاب غیبت شیخ طوسی است ابو بصیر می گوید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند در شب بیست و سوم ماه رمضان با اسم قائم ندا می شود و روز عاشورا که روز شهادت حسین ابن علی علیه السلام است آنحضرت قیام می کند.

و از کتاب غیبت نعمانی است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند دو نداء میاید یکی در اول شب از آسمان و دیگر در آخر شب از ابلیس، راوی گفت من چگونه بشناسم کدام حق است و کدام باطل حضرت فرمود کسانی که قبل حق و باطل را دانسته اند می شناسند.

هر صاحب گوشه آن صدا را می شنود

در روایت مفضل که از امام صادق (ع) تفصیل حالات حضرت بقیة الله را نقل میکند چنین نوشته شده که چون آفتاب طلوع کند فریاد کنندگی از چشمه خورشید بزبان عربی فصیح بسوی خلائق فریاد میزند که تمام اهل آسمانها و زمین آنرا میشنوند میگویند ای گروه خلائق این است مهدی آل محمد و او را بنام و کنیه جدش (حضرت) محمد اسم میرد و نام پدرش امام یازدهم حسن ابن علی را میگوید و اسم یک یک از پدرانش را میگوید تا برسد بحسین ابن علی صلوات الله علیهم اجمعین و میگوید با او بیعت کنید که هدایت یابید و مخالفت نکنید که

گمراه می‌شوید پس اول کسی که دست او را می‌بوسد ملائکه هستند بعد از آن جنیان بعد از آن نقباء (یعنی آن سیصد و سیزده نفر یارانِ مخصوص) و می‌گویند ما شنیدیم و اطاعت کردیم و هیچ صاحب‌گوشی نمی‌ماند مگر آنکه آن نداء را می‌شنود و چون مردم از سفر و حضر از خشکی و دریا بهم می‌رسند برای یکدیگر نقل می‌کنند که ما بگوش خود چنین صدائی شنیدیم آیا شما هم شنیده‌اید.

پس چون غروب آفتاب شود فریاد کننده‌ئی از مغرب زمین فریاد میکند ای گروه خلائق پروردگار شما در بیابان خشکی از سرزمین فلسطین بنام عثمان ابن عنبثه اموی از اولاد یزید ابن معاویه ظهور کرده با او بیعت کنید تا هدایت یابید و مخالفت او نکنید که گمراه می‌شوید در آنوقت ملائکه و جن و نقباء گفته‌ او را رد کرده تکذیب می‌کنند و می‌گویند شنیدیم و مخالفت او می‌کنیم و هر کس که دلش دارای شک است و یا منافق و کافر است باین صدای دوم در ضلالت واقع می‌شود.

هر کسی آن ندا را بزبان خودش می‌شنود

۴- از کتاب کمال الدین صدوق است ز راره نقل کرده که امام صادق (ع) فرمودند منادی باسم قائم (ع) ندا خواهد کرد من گفتم این ندا برای جمعی مخصوص است یا برای عموم مردم است آنحضرت فرمود برای عموم مردم است و هر قومی بزبان خودش آنرا می‌شنود من گفتم پس چه کسی مخالفت با قائم (ع) می‌کند در صورتیکه باسم او نداء برسد آن حضرت فرمود شیطان مردم را رها نمی‌کند در آخر شب ندا

میکنند و مردم را بشک میاندازد (۱۳ بحار).

شدت ندا آسمانی چه اندازه است؟

۵- از کتاب ملاحم و فتن سید ابن طاووس است که رسول خدا (ص) فرمودند هرگاه صیحه در ماه رمضان آمد آن نشانه است که در ماه شوال آواز جنگجویان بلند میشود و در ماه ذی قعدة فتنه و فساد میشود و در ماه ذی الحجة خونریزی واقع می شود و ماه محرم و چه محرمی میشود این را سه بار تکرار کرد و فرمود هیئات هیئات مردم کشته میشوند در آن ماه بطوری که درهم و برهم ریخته شده باشند.

راوی گفت پرسیدیم آن صیحه کدام است فرمود آن صدائی است که در نیمه ماه رمضان روز جمعه وقت چاشتگاه واقع میشود آن ماه رضائی است که شب اول آن، شب جمعه باشد و این صدا خوابیده ها را بیدار میکند و ایستاده ها را مینشانند و دوشیزگان را از سراپرده های خود بیرون میاورد (فی لیلۃ الجمعة) پس چون نماز فجر صبح جمعه را خواندید داخل خانه های خود شوید و درب ها را ببندید و روزنه ها و پتجره ها را مسدود کنید و خود را در چیزی بپیچید و سوراخ گوش خود را بگیرید پس هرگاه احساس صیحه کردید برای خدا بسجده بیفتید و بگوئید سبحان القدوس ربنا القدوس یعنی چه بسیار پاک و منزه است خدا از عیبه و نفسها و خدای پاک پروردگار ما است. (کتاب نوائب الدهور است)

۶- در از کتاب نوائب الدهور از کتاب مجمع الزوائد نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود در ماه رمضان صدائی میاید اصحاب گفتند در اول یا وسط یا آخر آن، فرمود در نیمه ماه، چون شب جمعه شود آن صدا از آسمان میآید (و بطوری شدید است) که هفتاد هزار نفر از شدت آن بیهوش میشوند و هفتاد هزار نفر گوششان کر می شود.

گفتند یا رسول الله پس چه شخصی از امت شما سالم میماند فرمود کسی که ملازم خانه خودش باشد و بخدا پناه ببرد و بخدا سجده کند و صدای خود را بگفتن سبحان الله بلند کند، و صدای دیگری هم بعد از آن میرسد.

صدای اول از جبرئیل است و صدای دوم از شیطان است صدا در ماه رمضان است و مَعْمَعَه (یعنی آواز دلیران جنگ) در ماه شوال است و در ماه ذی القعدة فساد در قبایل پیدا میشود و در ذی الحجه حاجیان را غارت میکنند ماه محرم چه محرمی اولش برای امت من بلا است و آخرش برای ایشان فرج است در آنوقت مرکب سواری آماده شده‌ئی که مؤمن بر آن سوار شود و خود را نجات دهد بهتر است از قمری که صد هزار دینار طلا قیمت داشته باشد.

مولف گوید در بعضی از روایات گذشته است که آن صیحه آسمانی در شب جمعه میآید و در بعضی از روایت است که روز جمعه میآید و چون صدا را تمام روی زمین از مشرق تا مغرب میشنوند و مناطق روی زمین مختلف است همانوقت یکجا شب است، و یکجا روز است پس شاید از همین جهت است که در یک روایت فرمودند روز این صدا

میرسد و در یک روایت دیگر فرمودند شب این صدا میرسد و الله اعلم.

سه نداء دیگر در ماه رجب میرسد

۷- از کتاب غیبت شیخ طوسی است ابن محبوب از حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) نقل کرده که فرمود ناچار فتنه سخت و شدیدی واقع میشود که در آن فتنه مخصوصین و نزدیکان از پای درآمده و درمانده میشوند و آن در وقتی است که شیعیان ما فرزند سومی از فرزند مرا نمی بینند و همه اهل آسمانها و زمین بر غیبت او گریه میکنند، چه بسیار مؤمنین تشنه سوزان و غمناکی که از جهت فقدان آب وصال امام خود تشنه و متأسف مانده اند.

و گویا می بینم آنها را بنهایت شاد و خوشحال شده اند از نداء و صدائیکه بایشان رسیده است و آن صدا را نزدیک و دور یکسان میشوند و از برای مؤمنان رحمت است و از برای کافران عذاب است.

من بآنحضرت گفتم که آن چه صدائی است فرمود خلاق در ماه رجب سه دفعه صدا از آسمان میشوند اول آن نداء کننده میگوید الا لعنة الله على القوم الظالمین یعنی آگاه باشید که لعنت خدا بر گروه ستمکاران است و صدای دوم میگوید ازفة الازفة یا معشر المؤمنین یعنی ای گروه مؤمنین آن امر کم می باید نزدیک شود نزدیک شد و صدای سوم آنست که در قرص خورشید بدنی آشکار می بینند و آن امیر مؤمنان است که برای هلاک کردن ظالمین دنیا رجعت کرده است و در روایت حمیری است که آن شخصی که در قرص خورشید ظاهر میشود میگوید خدای

تعالی فلان شخص را برانگیخته (یعنی حضرت قائم را برانگیخته) سخن او را بشنوید و امرش را اطاعت کنید.

چهارمین از علامات حتم کشته شدن نفس زکیه در مکه می باشد

کشته شدن نَفْسِ زَکِیة در مکه

از علامات حتمیه است

۱- از کتاب غیبت شیخ طوسی است که سفیان ابن ابراهیم حریری از پدرش نقل میکند که گفت نفس زکیه جوانی از آل محمد (یعنی از سادات است اسم او محمد ابن الحسن است بدون جرم و گناه کشته میشود چون مردم او را کشتند دیگر نه در آسمان عذر خواهی و نه در زمین یاوری نخواهد داشت در آن موقع خدا قائم آل محمد (ع) را با گروهی میفرستد که آنها در چشم و نظر مردم از سورمه، نرم تر میباشند (یعنی بسیار اندک و ضعیف هستند) و چون ایشان قیام کنند مردم بحال ایشان گریه میکنند زیرا آنها را اشخاصی ضعیف می بینند و گمان میکنند که بزودی در دست دشمن نابود خواهند شد ولی خداوند شرق و غرب عالم را برای آنها فتح میکند آگاه باشید که آنها مؤمنین حقیقی هستند و آگاه باشید که بهترین جهادها جهاد در آخر زمان است.

۲- و از کتاب کمال الدین صدوق است که حضرت صادق (ع) فرمودن ما بین کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم آل محمد پانزده شب بیشتر فاصله نخواهد بود.

نفس زکیه چیست؟

۳- در جلد سیزده بحار از حضرت امام محمد باقر (ع) نقل کرده که در حدیث طولانی فرمود که (حضرت) قائم (ع) یکی از اصحاب خود را بمکه میفرستد و میفرماید بآنها بگو که من فرستاده فلانی هستم بسوی شما او میگوید که مائیم اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و مائیم ذریه محمد و سلاله پیغمبران و از زمانی که پیغمبر اسلام از دنیا رفته است تا امروز بما ظلم شده و ما مقهور و مظلوم واقع شده ایم و حق ما را از ما ربوده اند اینک ما از شما طلب یاری میکنیم ما را یاری کنید.

همینکه آن جوان این کلام را در مکه میگوید او را میگیرند و در بین رکن و مقام (در مسجد الحرام) او را سر میبرند و این جوان نفس زکیه است. و چون خبر کشته شدن او بآنحضرت میرسد میفرماید آیا من نگفتم که اهل مکه ما را نمیخواهند پس آنحضرت از طرف عقبه طوی بمسجد الحرام میآید. چون جمعیت یارانش بده هزار نفر رسید خروج میکند.

پنجمین از علامات حتم خسف لشکر سفیانی در بیداء است

۱- خداوند عالمان در قرآن مجید سوره نحل آیه (۴۸) میفرماید:

اَفَا مَنِ الذِّیْنَ مَكْرُوا السَّیِّئَاتِ اَنْ یَخْسِفَ اللّٰهُ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ یَاْخُذَهُمُ

العَذَابُ مِنْ حَیْثُ لَا یَشْعُرُوْنَ اَوْ یَاْخُذَهُمْ فِیْ تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِیْنَ

یعنی کسانی که با مکر و حيله مرتکب گناهان میشوند آیا خود را در امان

میدانند که خدا آنها را بزمین فرو برد یا از طریقى که گمان ندارند

عذاب بآنها برسد یا در موقع سرگرمی بزندگی آنها را بعذاب بگیرد و نتواند جلو قدرت و عذاب خدا را بگیرند.

۲- از کتاب تفسیر عیاشی از جابر جعفی است میگوید حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند در جای خود بنشین و البته دست و پای خود را حرکت مده تا آنوقت که آن علاماتی را که برای تو بیان میکنم ببینی (و آن علامات این است) منادی از دمشق ندا کند و یکی از دهات آن بزمین فرورود و قسمتی از مسجد دمشق خراب شود و ببینی که طایفه ترک از دمشق میگذرند و در جزیره فرود آیند و رومیان در رمله فرود آیند و آن سالی است که در تمام زمین عرب اختلاف میباشد و در آن هنگام اهل شام بر سه پرچم اختلاف پیدا میکنند پرچم اصهب (یعنی زرد و سرخ) و پرچم ابقع (یعنی سیاه و سفید) و پرچم سفیانی با طائفه بنی ذنب الحماره مضر و طائفه کلب با سفیانی میباشند و سفیانی و همراهانش بر طایفه بنی ذنب الحماره غالب می شوند و چنان جنگی میکنند که تا آنروز چنان جنگی نشده باشد.

پس مردی از بنی ذنب الحمار به دمشق میآید و با همراهانش بطوری کشته می شود که کسی بآنگونه کشته نشده باشد و این است معنای آیه قرآن که خدای تبارک و تعالی میفرماید.

فاختلف الاحزاب من بينهم فویل للذین كفروا من مشهد یوم عظیم.

یعنی طوائفی از مردم بجان یکدیگر میافتند و وای بر کافران که در آنروز بزرگ حاضر باشند.

و سفیانی و پیروانش خروج میکنند و قصد و همتی جز (نابودی) آل

محمد و شیعه ایشان ندارد پس لشکری بکوفه میفرستد و جمعی از شیعیان آل محمد را در کوفه میکشد و گروهی را بدار میزند و لشکری از خراسان میآید تا در ساحل شط دجله فرود میآیند و مرد ضعیفی از شیعیان با همراهانش برای مقاتله با سفیانی بیرون کوفه میرود و مغلوب میگردد.

فرو رفتن لشکر سفیانی در صحرا بیداء

(تمه روایت سابق است) پس از آن سفیانی لشکر دیگری به مدینه می فرستد و مردی در آنجا کشته میشود و (حضرت) مهدی و منصور از آنجا فرا میکنند و سفیانی، بزرگ و کوچک آل محمد (یعنی سادات) همه را گرفته حبس میکند و لشکر برای پیدا کردن مهدی و منصور از مدینه بیرون میروند و (حضرت) مهدی مانند موسی ابن عمران (که هراسان از مصر خارج شد) هراسان و نگران از مدینه خارج شده وارد مکه می شود.

و لشکر عقب سر آنها میآیند تا بوادی بیداء میرسند و آنها لشکر جرّاری هستند چون بآن زمین رسیدند زمین آنها را فرو میبرد بطوری که بجز خبر دهنده‌ئی که جز آنها را برساند کسی دیگر باقی نمیماند.

عنوان پنجم: هنگام ظهور

۱- کلام حضرت حجت (ع) در مسجد الحرام در موقع ظهور

(تمه روایت سابق است) پس (حضرت) قائم (ع) در بین رکن و مقام

نماز میخواند و وزیرش هم با او میباشد در آنوقت میگوید ایها الناس ما از خدا طلب میکنیم که ما را بر کسانی که بما ظلم کرده‌اند و حق ما را گرفته‌اند نصرت دهد هر کس میخواهد درباره خدا با من سخن بگوید (بیاید) زیرا من از همه کس بخدا سزاوارترم و هر کس درباره آدم با من سخنی دارد، بگوید زیرا من بآدم از همه کس سزاوارترم و هر کس درباره نوح با من سخنی دارد بگوید که من از هر کس بنوح سزاوارترم و هر کس درباره ابراهیم با من سخنی دارد بگوید زیرا من از همه کس بابراهیم سزاوارترم و هر کس درباره (حضرت) محمد با من سخنی دارد بگوید زیرا من از همه کس بمحمد سزاوارترم و هر کس درباره پیغمبران با ما سخنی دارد بگوید زیرا ما از همه کس به پیغمبران سزاوارتریم و هر کس درباره کتاب خدا (قرآن مجید) با ما سخنی دارد بگوید زیرا ما از همه کس بکتاب خدا سزاوارتریم (که بدلائل صحیح جواب بگوئیم).

ما (آل محمد) و هر مسلمانی امروز شاهد و (گواهیم) که بما ستم شده و آواره شده‌ایم و بما تعدی شده و از خانمان و وطن خود بیرون شده‌ایم و اموال ما را ضبط کرده‌اند و مقهور دشمنان واقع شده‌ایم، آگاه باشید که امروز ما از خدا و از هر مسلمانی یاری میطلبیم.

۲- جمع شدن اصحاب خاص آنحضرت در مسجد الحرام

(تتمه روایت سابق است) پس حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود بخدا قسم سیصد و سیزده مرد که پنجاه زن نیز در میان آنها میباشد مانند

قطعه‌های ابر که در فصل پائیز می‌آیند بدون آنکه با یکدیگر هم وعده شده باشند یکی بعد از دیگری می‌آیند و در مکه جمع میشوند و این است معنای آن آیه (قرآن) که خدا می‌فرماید:

اینما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیئی قدیر

یعنی هر جا باشید خدا همه شما را مجتمع میگرداند خداوند بر همه چیز توانا میباشد در آن موقع مردی از خاندان پیغمبر میگوید این شهر مکه مردمی ظالم و ستمگر دارد.

پس آن سیصد و سیزده نفر در بین رکن و مقام با آنحضرت بیعت میکنند و این اول مرتبه است که بعد از زمان پیغمبر اسلام چنین بیعت واقع میشود، آنگاه با لشکر و اسلحه و وزیرش از مکه بیرون می‌آیند در آنوقت منادی در مکه از آسمان بنام آنحضرت و خروج آنحضرت فریاد میکند (و مردم را بظهورش اطلاع میدهد) بطوری که تمام مردم روی زمین آن صدا را میشنوند و آنحضرت بکوفه می‌آید و مردم بسیار بآن حضرت می‌پیوندند و آنوقت لشکر سفیانی در بیابان رمله می‌باشد.

۳- کشته شدن سفیانی و لشکرش

(تتمه روایت سابق است) و چون لشکر سفیانی و لشکر آنحضرت بهم برسند از لشکر سفیانی جمعی باصحاب قائم ملحق میشوند و از لشکر قائم کسانی بلشکر سفیانی ملحق میشوند چون آنها در حقیقت از پیروان سفیانی بوده‌اند همچنانکه آن عده که بقائم ملحق میشوند در واقع شیعه بوده‌اند در این وقت هر کسی بصف واقعی خود می‌پیوندد و آنروز

روز تبدیل است.

و حضرت باقر (ع) فرمودند که امیر مؤمنان (ع) خبر داده‌اند که آنروز سفیانی با تمام پیروانش کشته میشود بطوری که یکنفر نمیماند که خبر آنها را بیاورد و بی نصیب آنکسی است که در آنروز از غنائمی که از طایفه کلب بدست میآید بی بهره باشد (یعنی اصحاب حضرت قائم از طایفه کلب که همراهان سفیانی هستند آنروز غنائم بسیار بدست میآورند)

۴- منزل حضرت حجت در کوفه خواهد بود

(تمه روایت سابق است) آنگاه حضرت قائم (ع) بکوفه میآید و آنجا جایگاه او خواهد بود و تمام مسلمانانی که بگلامی فروخته شده‌اند خریداری کرده آزاد میکند و هر قرض داری باشد قرضش را ادا میکند و هر چیزی که بظلم گرفته شده بصاحبش بر میگردداند و هر بنده و غلامی که (دریاری آنحضرت) کشته شده باشد قیمت آنرا بصاحبش میرساند و هر مقتولی (که در یاری آنحضرت کشته شده) اگر قرض داشته باشد قرض او را ادا میکند و عیالات او را بعطایای خود بهره‌مند میکند، چنان رفتار میکند که تمام زمین را از عدل و قسط پر میکند چنانکه پر از ظلم و ستم و تجاوز شده بوده است و خودش و اهل بیتش در رحبه مسکن میگیرد و رحیه منزل سکونت حضرت نوح بوده و زمین پاکی میباشد و محل سکونت و شهادت آل محمد همیشه در زمینهای پاکیزه بوده است زیرا آنها جانشین پاک سرشت پیغمبرند.

۵- وقایع اول ظهور آنحضرت

در جلد سیزدهم بحارالانوار علامه مجلسی از ائمه طاهرین (علیهم السلام) نقل کرده که آنحضرت در روز عاشورا قیام میکند و در سال طاق خروج میکند و از کتاب مهذب ابن فهد حلی است که امام صادق (ع) فرمودند آنحضرت روز نوروز ظاهر میشود و هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن روز انتظار فرج داریم عجم احترام آنروز را حفظ کردند و عرب ضایع گذاردند، و فرمودند اول کسی که با آنحضرت بیعت میکند جبرئیل است و حضرت سجاد (ع) فرمودند اولین مرتبه که جبرئیل نزد آنحضرت میآید موقعی است که در زیر درختی نشسته است جبرئیل بصورت مردی میآید و میگوید ای مرد برای چه نشسته ای میفرماید منتظرم امشب بگذرد و فردا در مکه خروج کنم پس جبرئیل خنده میکند و آنحضرت او را می شناسند، پس جبرئیل سلام میکند و مصافحه میکند و دست آن حضرت را گرفته بر براق سوار میکند و بجبل رضوی میبرد و در آنجا حضرت محمد و حضرت امیرالمؤمنین حاضر میشوند و نامه‌ئی مینویسند که آنحضرت برای مردم بخواند.

آنوقت بمکه میآید و در اجتماع مردم یکنفر میگوید این است همان کسی که او را میخواستید پس مردم از جای بر میخیزند و آنحضرت میآیستد و میفرماید منم فلان پسر فلان فرزند پیغمبر خدا، شما را دعوت میکنم بهمان چیزی که پیغمبر اسلام شما را بآن دعوت کرده است پس مردم حمله می کنند که آنحضرت را بکشند ولی آن سیصد و سیزده نفر اصحاب مخصوص از مردم جلوگیری میکنند پنجاه نفر آنها اهل کوفه اند

و بقیه از سایر شهرها که یکدیگر را نمی شناسند.

۶- وصف یاران آنحضرت از اهل طالقان

در کتاب جلد سیزدهم بحار است که حضرت صادق (ع) فرمودند برای امام دوازدهم گنجهایی در طالقان است که طلا و نقره نیست بلکه مردانی هستند که قلبهای آنها از شجاعت مانده پاره آهن است شکی در ایمان بخدا در آن دلها نیامده اگر بکوهها حمله کنند از جای بر میکنند در جنگها امام را در میان گرفته با جان خود از او دفاع میکنند و مردانی در میان آنها است که شبها برای عبادت نمیخوابند و زمزمه آنها در عبادت چون زنبور عسل میباشد شبها بعبادت مشغولند و روزها مانند شیران جنگجو بر اسبان سوار میشوند قلبهای ایشان مانند چراغ نور دهنده است خوف و خشیه خدا در آن دلها است آرزو دارند که در راه خدا شهید شوند و بفیض شهادت برسند شعار آنها این است میگویند یا لثارات الحسین یعنی ای خونخواهان مظلوم کربلا و رعب آنها یکماه راه پیشاپیش آنها میرود بوسیله آنها خدا آنحضرت را یاری میکند.

۷- آنحضرت دین اسلام را تازه از سر میگیرد

از کتاب غیبت نعمانی است ابوبصیر از کامل نقل کرده که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند چون قائم ما قیام کند مردم را بامر تازهئی دعوت میکند چنانکه رسول خدا مردم را بآن دعوت کردند و اسلام در.

اول بحالت غربت شروع شد و بزودی بحال غربت برمیگردد خوش بحال غرب.

و در کتاب غیبت نعمانی است که عبدالله ابن عطا از حضرت امام محمد باقر (ع) پرسید که چون قائم (ع) قیام کند بکدام رویه در بین مردم رفتار می کند فرمود آنچه قبل از ظهورش بوده خراب میکند چنانکه رسول الله کرده بودند و دین اسلام را تازه از سر میگیرد.

و در روایات و دعاها بسیار این مطلب ظاهر است مثلاً در دعای ندبه که امام دستور داده اند شیعیان روزهای جمعه بخوانند میگوید این المدخر لتجدید الفرائض و السنن این المتخیر لاعاده الملة و الشریعه. یعنی کجا است آنکسیکه فرائض و سنت های پیغمبر اسلام را تازه کند و کجا است آنکسی که ملة و شریعت پیغمبر اسلام را بازگشت دهد یعنی همان احکام از دست رفته را که مردم رها کرده اند دوباره تازه کند و برگرداند.

۸- روی زمین آباد میشود و مرض نمیماند.

از کتاب خصال شیخ صدوق است از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که آنحضرت فرمودند خداوند دین (اسلام) را بوسیله ما گشود و بما ختم میکند (یعنی اول بوسیله ما دین اسلام بمردم رسیده و تا آخر هم ما یاور و مروج این دین خواهیم بود و بوسیله ما خدا محو و اثبات میکند و بوسیله ما سختی زمانه را برطرف میسازد و بخاطر ما باران رحمت میفرستد پس شیطان شما را بخدا مغزور نکند و فریب ندهد، و

چون قائم ما قیام کند آسمان بارانهای رحمت میریزد و زمین گیاههای خود را بیرون میدهد و کینه از دل‌های مردم زایل میشود (یعنی همه برادر ایمانی و مهربان بیکدیگر میشوند) و درندگان و حیوانات با هم صلح و سازش میکنند.

حتی آنکه اگر زنی بخواهد ما بین عراق تا شام برود قدم نمیگذارد و بر نمیدارد مگر بر روی گیاه و زینت‌های خود را بر خود زده و هیچ درنده‌ئی با و حمله نمیکند.

و از خصال صدوق است که حضرت امام زین العابدین (ع) فرمودند، چون قائم ما قیام کند خدای عزوجل از شیعیان ما مرض را بر میدارد و قلب‌های آنها (از قوت و شجاعت) مانند پاره آهن میشود و بهر یک خدا قوت چهل مرد میدهد و «آنها حاکمان روی زمین و رؤسای اجتماع خواهند بود».

۹- در هر شهری مردم آنحضرت را می‌بینند

حضرت امام محمد باقر (ع) در حدیثی فرمود هر کس قائم ما را ببیند بگوید السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه و حضرت صادق (ع) فرمودند گویا میبینم که قائم (ع) در بیرون نجف بر اسب تیره رنگ و ابلقی سوار است که میان پیشانی تا گلویش سفید است و اسب خود را بحرکت می‌آورد و مردم هر شهری گمان میکنند که آنحضرت در شهر آنها و با آنها میباشد و چون پرچم پیغمبر را برافراشت سیزده هزار و سیزده ملک مخصوص که منتظر ظهور آنحضرت بوده‌اند اطراف او را میگیرند و

اینها همان ملائکه هستند که با حضرت نوح در کشتی بودند و با حضرت ابراهیم خلیل بودند موقعی که در آتش افتاد و با حضرت عیسی بودند وقتی با آسمان بالا رفت و چهار هزار ملائکه مُسومین و مردفین (که نشان دار وصف بسته شده‌اند) و سیصد و سیزده ملکی که در جنگ بدر (با رسول خدا) بودند و چهار هزار ملکی که برای یاری امام حسین (ع) از آسمان نازل شده بودند و آنحضرت اجازه جنگ با آنها نداد و (چون آنحضرت شهید شدند) آن ملائکه همیشه پژمرده و غبارآلود نزد قبر آنحضرت تا روز قیامت گریان میباشند (همه این ملائکه از یاوران حضرت قائم (ع) خواهند بود).

مؤلف گوید در عبارات اول این روایت باز دقت کن بین چه میفهمی و معنی آن عبارت چیست که حضرت باقر (ع) میفرماید وقتی حضرت قائم در پشت نجف سوار است و اسب خود را بحرکت میآورد مردم هر شهری گمان میکنند که آن حضرت در شهر آنها و با آنها میباشد، آیا ممکن است استفاده شود که این دستگاههای (تلویزیون) تازه اختراع شده تقویت میشود و در همه جای دنیا بآن وسیله میتوانند ببینند یا دستگاه دیگری اختراع میشود یا آنکه بمعجزه آن حضرت چنین دیده میشود العلم عندالله.

۱۰- آنحضرت همه جای روی زمین را می‌بیند

از کتاب کمال الدین صدوق است که حضرت صادق (ع) فرمودند چون امر (سلطنت) بحضرت صاحب الامر رسید خداوند تبارک و تعالی

تمام پستی و بلندی‌های زمین را بآنحضرت نشان می‌دهد و چنان میشود که گویا تمام دنیا بمنزله کف دستی باشد نزد آنحضرت (و بعد فرمود) کدام یک از شما هست که اگر موئی در کف دستش باشد نبیند (آنحضرت هم همه چیز را می‌بیند)

۱۱- آنحضرت با اسباب باسمانها و زمینهای دیگر می‌رود

از کتاب اختصاص شیخ مفید است که حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند ذوالقرنین را مخیر کردند ما بین ابر سخت و رام او ابر رام را اختیار کرد و ابر سخت را برای صاحب شما ذخیره گذارده راوی پرسید ابر است که دارای رعد و برق باشد و صاحب شما (یعنی امام دوازدهم) بر آن سوار میشود با اسباب و بالا میرود در آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفت‌گانه که پنج زمین آباد است و دو زمین خراب است.

و در روایت دیگر نظیر این روایت از امام صادق (ع) هست که فرمود اگر ذوالقرنین ابر سخت را میخواست برای او نمیبود و آنرا خدا برای صاحب شما ذخیره کرده (شاید مقصود همین وسائل جدید و امثال آن باشد یا وسائلی که بعداً تهیه میشود و بوسیله آن بکرات بالا مسافرت میکنند).

و ما در کتاب جلد دوم خلاصه مطالبی از دین اسلام این مطلب را نوشته‌ایم و روایاتی از ائمه نقل کرده‌ایم که مسافرت بکرات بالا امکان پذیر است و وسائلی فراهم خواهد شد و مطالبی در آن کتاب

ذکر کردیم که از فرمایش امام (ع) معلوم میشود در کرات بالا جنس بشر هم موجود است و زندگی میکنند و در آن کرات آدم و نوح و ابراهیمی هست.

۱۲- مردم در همه جا کلام آنحضرت را میشوند

و خود آن حضرت را می بینند در صورتی که آن حضرت در جای خودش میباشد.

از کتاب خرایج قطب راوندی است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند اذا قام قائمنا مد الله لشيئنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید، يكلهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه.

یعنی چون قائم ما قیام کند خداوند کمک میدهد بگوشها و چشمهای شیعیان ما که دیگر لازم نیست ما بین آنها و آن حضرت نامه رسانی باشد پس قائم (ع) با آنها سخن میگوید و آنها میشوند و او را می بینند در حالی که او در مکان خودش میباشد.

مؤلف میگوید در این روایت دقت کن چه میفهمی ممکن است که دیدن شیعیان و شنیدن آنها صدای آن حضرت را در حالتیکه آن حضرت در مکان خودش هست بوسیله همین اسبابهای تازه احداث شده باشد مانند (تلویزیون) و غیره که تا زمان آن حضرت تکمیل شود که بتواند از همه جای عالم نشان دهد. یا قوای خدائی است که بر خلاف عادت چشم و گوش شیعیان اینقدر قوت پیدا کند عندالله.

ای برادر عزیز تلویزیون و امثال این وسیله‌های تازه احداث شده بد وسیله‌ئی نیست بلکه بسیار صنعت عجیبی است که بشر را بخدا شناسی نزدیک میکند بین خدا بشر را چه اعجوبه‌ئی خلق کرده و چه قوای باو داده که بتواند اسرار عالم را کشف کند و با این وسائل کارها را آسان کند، ولی افسوس که ما از این وسائل استفاده سوء میکنیم.

فعلاً مقدار بسیاری از وقت آنرا صرف ساز و آواز و تصنیف‌های هفت سوز و رقص‌ها و کارهای غیرت بر باد دهنده میکنند و بانواع و اقسام مردم را بوسیله آن به بدبختی و بی‌دینی و بی‌عفتی میبرند و لذا در هر خانواده که آن جعبه‌ها باشد جز موجب فساد دخترها و پسرها و باعث نکبت و بلاء و عقوبت و عذاب آخرت چیز دیگری نیست.

۱۳- مذمت ساز و آواز و ضررهای آن

حضرت امام جعفر صادق (ع) در تفسیر این آیه از قرآن فرمودند خدا میفرماید:

فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور (در سوره حج آیه ۳۰) یعنی دوری کنید از بتها که پلیدند و دوری کنید از گفتار باطل، مقصود خدا از این گفتار باطل غنا و آوازه‌خوانی میباشد.

و در حدیث دیگر امام صادق (ع) فرمودند شنیدن لهو و غنا (یعنی ساز و آواز) نفاق را در دل میرویانند چنانکه آب گیاه را میرویانند (یعنی این ساز و آوازه‌ها کم‌کم انسانرا منافق میکند و اگر در این فرمایش امام دقت کنی و محبت شنیدن ساز و آواز چشم عقل تو را نابینا نکرده باشد و راه

فهم تو را نبسته باشد میفهمی که چه بسیار امام درست فرموده‌اند کسی که شبانه روز با این ساز و آوازه‌ها و شنیدن تصنیفهای عفت سوز مغز و فکر خود را آشنا کرده کم‌کم چنان او را دل‌باخته بکارهای باطل میکند و باعمال نامشروع میکشاند که در حقیقت قلبش متمایل بکار بد شده ولی بظاهر خود را مسلمان پاک میدانند و این همان نفاق است که امام فرموده‌اند و اگر در اثر شنیدن این ساز و تصنیفها بسایر کارهای نامشروع هم مرتکب نشود خودش این کار نامشروع و حرام است) و حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند خانه‌ئی که در آن غناء (یعنی باصطلاح ساز و آواز) باشد ایمن نیست که بلاهای دردناک بآن‌خانه نازل شود و دعاء در آن خانه مستجاب نمیشود و ملائکه (رحمت) داخل آن‌خانه نمیشوند.

مؤلف گوید کتابی راجع بضررهای اخلاقی و مغزی و اعصابی این ساز و آوازه‌ها از قول دکترها نوشته شده و فرمایش پیشوایان دین هم در آن ثبت شده آن کتاب بنام (موسیقی و اسلام) و (غنا و اسلام) است بخريد و بخوانيد.

۱۴- قوت و شجاعت حضرت قائم (ع)

از کتاب کمال الدین صدوق است که ریان ابن صلت بحضرت علی ابن موسی الرضا (ع) عرضکرد آیا صاحب الامر شما هستید آنحضرت فرمود صاحب الامر من هستم (یعنی صاحب امر امامت) ولی نه آن صاحب الامری که زمین را پراز عدالت میکند چنانکه پراز جور شده

باشد چگونه من آن کس باشم با این ضعف بدن که در من می بینی.
 قائم آن کسی است که چون ظاهر شود بسن پیرمردان و بصورت جوانان
 است و بدنی قوی (و نیرومند) دارد بطوریکه اگر دست بطرف
 بزرگترین درخت روی زمین دراز کند میتواند آنرا از زمین برکند و اگر در
 میان کوهها فریاد بکشد سنگهای کوه از (هیبت و اثر) صدایش فرو
 میریزد عصای موسی و انگشتر سلیمان با او میباشد. او چهارمین از
 فرزندان من است خدا تا زمانیکه مصلحت میداند او را از نظرها غائب
 و مستور میدارد و پس از آن او را ظاهر میکند و بوسیله او زمین را پر از
 قسط و عدل مینماید چنانکه پر از جور و ظلم شده باشد.

و از کتاب کشف الغمه است که حافظ ابونعیم (که از علماء عامه
 است) نقل کرده که حدیفه گفت قال رسول الله (ص) السیدی رجل
 من ولدی لونه لون عربی و جسمه جسم اسرائیلی علی حذی الايمن خال
 کانه کوکب دری بملاء الارض عدلا کما ملئت جورا یرضی فی خلافته
 اهل الارض و اهل السماء و الطرفی الجو

مؤلف گوید جسم اسرائیلی یعنی بلند قامت و تنومند است و محمد
 شافعی هم در کتاب کفایة الطالب همین روایت را نقل کرده است.

۱۵- مقداری از برنامه سلطنت آنحضرت

(۱۳ بحار) حضرت صادق (ع) فرمودند چون (حضرت) قائم (ع)
 ظاهر شود مناره‌های مسجدها و مقصوره‌ها (یعنی اطاقهائی که بعنوان
 محراب، عامه برای پیشنماز درست کرده‌اند که در آن نماز بخواند) هر

وقت ظهور ۱۰۳

دو را خراب میکند و آنحضرت فرمود دو خون است که ریختن آن در اسلام از طرف خدای عزوجل حلال است و هیچ کس بآن حکم نمیکند تا خدا قائم اهل بیت را برساند آنحضرت بحکم خدا حکم میکند و شاهد نمیخواهد یکی آنکه حکم پیرمرد زنا کار حکم زنای محصنه عمل می کند و را سنگباران میکند (تا بمیرد) (زنای محصنه آن است که مردی که زن دارد باز هم زنا کند) و دیگر مانع الزکاة را (یعنی کسی که زکات مالش را بفقرا نمیدهد) گردن میزند.

۱۶- چه اندازه مسلمانان را غنی و ثروتمند میکند در زمان ظهور

از کتاب کشف الغمه است از کتاب کفایة الطالب محمد ابن یوسف ابن محمد شافعی (که از علمای مشهور عامه است) از ابوسعید خدری نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمودند بشارت میدهم شما را بمهدی که در امت من برانگیخته میشود زمانی که مردم با هم اختلاف داشته باشند و اوضاع آنها متزلزل باشد زمین را پر میکند از قسط و عدل چنانکه پر شده باشد از جور و ظلم و ساکنین آسمان و زمین از او خوشنود میشوند مال را بطور صحیح تقسیم می کند، مردی پرسید تقسیم صحیح چیست آنحضرت فرمود بطور مساوات مال را بین مردم تقسیم میکند.

و خداوند قلبهای امت محمد را غنی و بی نیاز میکند و عدالت آنحضرت همه مردم را فرا میگیرد و کار بانجا میرسد که دستور میدهد (اعلان کنند) (و) منادی ندا کند که هر کس بمال احتیاجی دارد بگوید پس هیچ کس

سخنی نمی‌گوید مگر یک نفر میگوید من، پس آن اعلان کننده میگوید برو نزد خزینه‌دار و بگو (حضرت) مهدی (ع) امر فرموده اموالی بمن بدهی، خزینه‌دار آنقدر مال بسیار کنار او میریزد که از بردنش عاجز میماند و از گفته خود پشیمان میشود و میگوید از همه امت محمد من حریص‌تر بودم که بزحمت افتادم و نمیتوانم اینها را ببرم و اموال را رد میکند ولی خزینه‌دار قبول نمیکند و میگوید چیزی که دادیم پس نمی‌گیریم.

۱۷- آنحضرت چگونه بمساوات تقسیم میکند و جهت گرفتاری فعلی ما چیست مؤلف گوید در بسیاری از روایات عامه و شیعه است که حضرت بقیة الله عجل الله فرجه زمین را پر میکند از قسط و عدل چنانکه پُر شده باشد از جور و ظلم، معنای عدالت که معلوم است و قسط را در کتب لغت عربی بمعنای تقسیم بالسویه معنی کرده‌اند و در روایت هم هست از رسول خدا پرسیدند چگونه تقسیم صحیح میکند فرمود تقسیم بالسویه میکند آیا ممکن است کسی تصور کند که معنی این روایات آن باشد که آن حضرت ثروت‌های مردم را بظلم میگیرد و بین فقرا تقسیم میکند در اینصورت این هم باز ظلم بزرگ است پس البته چنین نیست بلکه روایات شرح این مطلب را داده است.

اولاً حقوق واجب مالی که خدا قرار داده از اغنیاء آنقدر میرسد و آنحضرت بمستمندان میدهد که فقراء بی‌نیاز میشوند.

و ثانیاً در آنزمان تمام گنجها و معدنهای زمین برای آنحضرت ظاهر

میگردد یعنی معدنهای طلا و نقره و غیره و معدنهایی که شاید از طلا و نقره گران تر باشد و آنحضرت آن اموال را بالسویه بین مردم تقسیم میکند که همه غنی و ثروتمند میگردند و ایس یکی از منافع وجود آن امام است در بین مردمان و الآن می بینی چنین مردم بفقر و احتیاج و سختی گرفتار شده اند یکی از جهت نبودن امام است و دیگر مکافات گناهان و کارهای بدی است که خود ما مرتکب می شویم و بخدا اعتنا نمیکنیم خدا هم ما را چنین عقوبت کرده است و هر چه ما در گناه و اعمال ضد دین و مخالف قرآن بیشتر هوسرانی کنیم این سختیها و غصه ها و کشتارهای جنگی و فقر و سختی بیشتر رو بما خواهد آورد.

در کتاب کافی کلینی که یکی از معتبرترین کتاب های شیعه است نقل شده که حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) فرمودند هر چه مردم گناهان تازه ئی مرتکب میشوند که قبل از آن نمیکرده اند خدا هم بلاهای تازه ئی بر آنها میفرستند که قبلاً آنها نمی شناخته اند.

مؤلف گوید عزیز من قدری فکر کن آیا کار ما موافق حکم قرآن مجید و دستور پیغمبر اسلام است یا ما فقط اسم خود را مسلمان گذارده ایم آیا عقاید مسلمانی ما صحیح و درست است آیا زنهاى ما بحکم قرآن عمل میکند آیا دخترهای خود را موافق قرآن تربیت میکنیم آیا در معاملات ما ربا و تقلب و خیانت نیست آیا سایر امور و کار ماها شباهت بسلمانی دارد یا آنکه در تمام کارها بدلبخواه و هوای نفس و تقلید بیگانگان و هوسرانی رفتار میکنیم اگر کار ما این است و باز هم هر روز بر بدی های ما افزوده میشود باید منتظر بلاها و سختیهای بیشتر و مکافات

دنیوی و عذاب اخروی باشیم مگر آنکه برگردیم و قرآن را دستور العلم زندگانی خود قرار دهیم تا سعادت دنیا و آخرت را دریابیم، افسوس که ما نفهمیده‌ایم که خدا برای چه ما را باین دنیا آورده و پس از پایان این چند روز عمر همینکه پا بعالم دیگر گذاردیم با پشیمانی بسیار روبرو خواهیم شد.

۱۸- تمام علوم در زمان آنحضرت ظاهر میشود

از کتاب کافی است حضرت صادق (ع) فرمودند علم بیست و هفت جزء است و جمیع آنچه پیغمبران آورده‌اند تا قیام قائم دو حرف (یعنی دو قسمت) آن بیشتر ظاهر نشده چون قائم قیام کند بقیه بیست و پنج حرف آنها را هم در بین مردم منتشر میسازد.

۱۹- چگونه در بین مردم بواقع امور حکم میکند

از کتاب شیخ مفید است که حضرت صادق (ع) فرمودند چون قائم آل محمد قیام کند ما بین مردم بحکم حضرت داود حکم میکند و احتیاج بدلیل و شاهد ندارد خدا (واقع مطلب را) بانحضرت الهام میکند پس بعلم خودش حکم میکند و بهر قومی خبر میدهد که چه در نیت گرفته‌اند و دوست و دشمن خود را بفراست می‌شناسد (چنانکه) خدا در قرآن فرموده ان فی ذالک لآیات للمتسمین و انھا لبسبیل مقیم

تاریخچه مسجد مقدّس جمکران

شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی که از بزرگان قدماء علماء شیعه و از معاصرین شیخ صدوق رحمة الله بوده است، در کتاب خود به نام تاریخ قم، راجع به بنای مسجد جمکران از کتاب مونس الحزین فی معرفة الحق و الیقین چنین نقل کرده است:

شیخ حسن مثله جمکرانی که یکی از صلحاء است می گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان ۳۹۳ در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم. نیمی از شب گذشته بود که ناگاه عده ای از مردم به در خانه من آمدند و مرا بیدار کردند و گفتند که: برخیز و مولای خود حضرت مهدی صاحب الزمان صلوات الله علیه را اجابت کن که تو را طلب نموده است.

حسن می گوید: من برخاستم و خود را جمع و جور کرده و آماده شدم، گفتم بگذارید تا پیراهنم را بپوشم، آواز دادند که (هُوَ مَا كَانَ قَمِيضَكَ) پیراهن را نپوش که از تو نیست، دست بردم و شلوار خود را برگفتم، ندا آمد که (لَيْسَ ذَلِكَ مِنْكَ فَخُذْ سَرَاوِيلَكَ) آن شلواری که برگرفتی از تو نیست، از آن خود را بردار؛ آن را انداختم و شلوار خود را برگرفتم و پوشیدم. آنگاه به طرف کلید رفتم تا درب منزل را بازکنم، آواز دادند که (الْبَابُ مَفْتُوحٌ) درب باز است، چون به در منزل آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند و مرحبا گفتند.

آنها مرا به مکانی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن پهن و بالشهای فاخر بر آن

نهاده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت تکیه بر چهار بالش کرده و پیرمردی هم در نزد او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می خواند و بیشتر از شصت مرد در اطراف او بر این زمین در حال نماز خواندن بودند که بعضی جامه های سفید و بعضی دیگر جامه های سبز بر تن داشتند.

آن پیر مرد حضرت خضر علیه السلام بود و مرا امر به نشستن نمود، آنگاه امام علیه السلام اسم مرا بردند و فرمودند: برو به حسن مسلم بگو تو پنج سال است که این زمین را تصرف کرده و در آن چیز کاشته و کشاورزی می نمایی، ولی ما آن را خراب می کنیم.

این زمین شریفی است و حقّ تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده و شرافت داده است، امسال باز هم آن را مرتب نموده ای تا در آن به کشت و زرع پردازی و حال آنکه تو را چنین اجازه و حقی نیست بنابراین هر بهره و نفعی که تا بحال از این زمین برگرفته ای باید برگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند.

خدای عزّ و جلّ به خاطر این امر خلافی که انجام داده ای و آن را جزء زمین خود گرفته ای دو پسر جوان تو را بازگرفت اما تنبیه نشدی، اگر بازهم بخواهی چنین کنی کیفر الهی، آن گونه که آگاه نباشی، به تو خواهد رسید.

عرض کردم: ای آقا و مولایم؛ برای این موضوع باید نشانه و علامتی داشته باشیم؛ زیرا مردم بدون نشانه سخن مرا قبول نمی کنند. امام علیه السلام فرمود: (إِنَّا سَنَعْلَمُ هُنَاكَ عَلامَةً) ما در اینجا علامت و نشانه

قرار می‌دهیم تا سخن تو را تصدیق نمایند، تو برو و رسالت ما را انجام بده، (درقم) نزد سید ابوالحسن برو به او بگو تا با تو بیاید و حسن مسلم را حاضر نماید و منافع چند ساله را از او بگیرد و به مصرف بنای مسجد برساند.

بقیه مخارج را از قریه رهق آزدهال که ملک ماست بیاورند و ساخنمان مسجد را تمام کنند، نصف قریه رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله درآمد آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد نمایند.

مردم را بگو تا رغبت به این مکان نمایند و آن را عزیز دارند، چهار رکعت نماز اینجا بگذارند: دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعتی یک بار سوره حمد و هفت بار سوره قل هو الله احد خوانده می‌شود و ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار کنند. دو رکعت دوم را به نیت نماز امام زمان علیه بخوانند به این ترتیب که چون سوره حمد را شروع به خواندن نمایند و به ایاک نعبد و ایاک نستعین برسند آن را صد بار تکرار کنند و بعد از آن بقیه سوره حمد را بخوانند، و سپس سوره (قل هو الله احد) را فقط یک بار بخوانند و آنگاه ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار نمایند، رکعت دوم را نیز به همین طریق بخوانند، چون نماز را تمام کنند یک بار تهلیل (لااله الاالله) بگویند و سپس تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را خوانده و سر به سجده گذارند و صدبار صلوات بر پیغمبر و آتش علیه السلام بفرستند.

سپس امام علیه السلام فرمودند: (فمن صلیها فکانما صلی فی البیت العتیق) یعنی هر کس این نماز را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز

خوانده باشد.

حسن مثله جمکرانی می گوید: من به راه افتادم چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی چوپان است، اگر مردم ده بهای آن را دادند و اگر نه، از مال خود آن را خریداری کن و فردا شب، به این مکان بیاور و آن را بکش، آنگاه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان گوشت آن را بین بیماران انفاق می کنی، هر مریض و بیماری که از گوشت آن بخورد حق تعالی شفایش دهد، نشانی آن بز این است که ابلق بوده و موهای بسیار دارد و هفت علامت دیگر نیز داشته، سه علامت در طرفی و چهارتای دیگر در طرف آخر.

حسن مثله می گوید: به منزل برگشتم، تمام شب را در اندیشه بودم، تا صبح طلوع کرد و نماز را خواندم، سپس به منزل علی المنذر رفتم و احوال دیشب را با وی گفتم، با یکدیگر به آن جایگاه که مرا شب برده بودند رفتیم، قسم به خدا میخها و زنجیرهایی که حدود بنای مسجد را نشان می داد مشاهده کردیم و آنها همان نشان و علامتی بود که امام علیه السلام فرموده بود.

سپس به طرف منزل سید ابوالحسن در قم حرکت کردیم، چون به در منزل او رسیدیم خادمش را دیدیم که درب منزل در انتظار ماست، سؤال کرد تو از جمکرانی؟

گفتم بلی، گفت سید از سحرگاه منتظر تو است.

من به داخل منزل رفتم و سید ابوالحسن را سلام کردم، جوابی نیکو داد

و ما را اعزاز و احترام کرده و بنشانید، آنگاه قبل از اینکه من چیزی بگویم به من فرمود: ای حسن مثله شب گذشته خوابیده بودم، در خواب شخصی به من گفت: (بامداد مردی به نام حسن مثله از جمکران پیش تو آید، آنچه به تو گوید او را تصدیق کن و بر گفتار او اعتماد نما، زیرا سخن او، سخن ماست و باید قول او را رد نکنی). از خواب بیدار شدم، تا این ساعت منتظر تو بودم.

حسن مثله می گوید: من هم تمام احوال شب گذشته را با شرح و تفصیل برای سید ابوالحسن بیان کردم، سید بلافاصله دستور داد تا اسب‌ها زین کردند و بیاوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک ده رسیدیم جعفر چوپان گله‌اش را در کنار جاده می چرانید، من در میان گله رفتم، بزی که از عقب گوسفندان می آمد به طرف من دوید، آن بز را گرفتم و به نزد جعفر چوپان آوردم، تا بهای آن را بدهم، جعفر سوگند یاد کرد که من هرگز این بز را ندیده‌ام و در گله من نبوده است، مگر امروز که می بینم، و هر چند که می خواهم آن را بگیرم ممکن نمی شود و اکنون به نزد شما آمد.

پس بز را همچنان که امام (ع) فرموده بود در آن جایگاه آوردیم و ذبح نمودیم و گوشت آن را بین بیماران تقسیم کردیم و همه شفا یافتند. سید ابوالحسن، حسن مسلم را احضار کرد و منافع چند ساله زمین را از او گرفت و امر کرد تا وجوه درآمد روستای رهق را نیز آوردند و مسجد را بنا کردند و با چوب پوشانیدند.

سید ابوالحسن الرضا زنجیرها و میخ‌ها را به قم برد و در منزل خود

گذاشت و بیماران می رفتند و خود را به آنها می مالیدند و خدای تعالی شفای عاجل می داد.

ابوالحسن محمد بن حیدر گوید که شنیدم که سید ابوالحسن الرضا در محله موسویان در شهر قم مدفون است و پسر از او فرزندش بیمار شد و وی به سر صندوقی که زنجیرها و میخ‌ها در آن نگهداری می شد رفت تا به وسیله آنها شفا یابد، هنگامی که سر صندوق را باز کرد اثری از زنجیرها و میخ‌ها نیافت و هر چه مردم جستجو کردند فایده‌ای نبخشید. مرحوم محدث نوری بعد از نقل این واقعه شریفه مطالبی می فرماید که خلاصه اش این است:

عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی تاریخ این قصه را در سال ۳۹۳ نقل کرده است ولی ظاهراً در نوشتن اشتباه شده و در اصل ۳۷۳ بوده است، زیرا وفات شیخ صدوق قبل از ۳۹۰ می باشد و این قصه هم در زمان حیات شیخ صدوق واقع شده است.

اما دو رکعت نماز منسوب به آن حضرت، از نمازهای معروف است و جماعتی از علماء بزرگ آن را روایت کرده‌اند:

۱- مرحوم شیخ طبرسی صاحب تفسیر در کتاب کنوزالنجاح این نماز را به همان ترتیب که در ضمن قصه گذشت روایت نموده و بعد از نماز دعائی را نقل فرموده است اما از تهلیل و تسبیح حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و صد بار صلوات، ذکری به میان نیاورده است.

۲- مرحوم سید عظیم القدر سید فضل الله راوندی در کتاب دعوات در ضمن نمازهای معصومین می فرماید: نماز مهدی صلوات الله و سلامه

علیه دو رکعت است، در هر رکعتی حمد یک مرتبه و صد مرتبه ایّاک نعبد و ایّاک نستعین، و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم.

۳- مرحوم سید جلیل علی بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع، همین نماز را به گونه‌ای که مذکور شد نسبت به آن حضرت داده، ولیکن ذکر صد مرتبه صلوات بعد از آن را نقل نکرده و فرموده است که این دعاء پس از نماز خوانده شود:

(الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء و الیک یا رب المشتکی و علیک المعول فی الشده و الرخاء اللهم صل علی محمد و آل محمد الذین امرتنا بطاعتهم و عجل اللهم فرجهم بقائهم و اظهر اعزازه یا محمد یا علی، یا علی یا محمد اکفیاننی فانکما کافیای، یا محمد یا علی یا علی یا محمد احفظاننی فانکما حافظای یا مولای یا صاحب الزمان (سه مرتبه) الغوث (سه مرتبه) ادرکنی (سه مرتبه) الامان (سه مرتبه)

ترجمه: بار خدایا بلاها و گرفتاریها بزرگ شد، و رازهای پنهان آشکار گشت، و پرده‌ها برطرف شد، و عرصه زمین تنگ گردید، آسمان از نزول برکاتش بازداشته شده، شکایت به درگاه توست ای پروردگارم، و اتکاء و اعتماد در سختی‌ها و آسانی‌ها بر تو است، خدایا بر محمد و آل او علیه السلام درود فرست آن کسانی که ما را بر اطاعت و فرمانبرداری‌شان امر نمودی، خدایا شتاب کن در گشایش به آنان به قائم‌شان، و عزت و شوکت او را ظاهر و آشکار کن ای محمد، ای علی،

ای علی ای محمد کفایت کنید زیرا شما کفایت کنندگان منید؛ ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد یاریم کنید؛ زیرا شما یاری کنندگان منید، ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد نگهداری ام کنید؛ زیرا شما نگهداری کننده من هستید، ای آقایم، ای صاحب الزمان فریاد، فریاد، فریاد، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب، پناهم بده، پناهم بده، پناهم بده.

تشریف مرحوم شیخ محمد تقی بافقی خدمت امام زمان علیه السلام در
مسجد جمکران

سید شریف، سید مرتضی حسینی معروف به ساعت ساز قمی، که از اشخاص با حقیقت و متدین پایین شهر قم، و به نیکی و پارسایی مشهور و معروف بوده حکایت نموده است:

شب پنجشنبه‌ای در فصل زمستان که هوا بسیار سرد، و برف زیادی هم قریب نیم زرع روی زمین نشسته بود، در منزل خود نشسته بودم به خاطر آمد که امشب، شب پنجشنبه و هنگام رفتن آخوند (شیخ محمدتقی بافقی) به مسجد جمکران است.

با خود گفتم که حتماً با این هوا و برف، امشب را تعطیل کرده‌اند، اما دلم طاقت نیاورد و در پی ایشان رفتم، در منزلشان نبود، در مدرسه هم نبود، سراسیمه از هر طرف جوینا، و از هر کس پویای ایشان بودم، تا به میدان میر، که سر راه جمکران است رسیدم، تصمیم گرفتم تحقیق کاملی درباره ایشان نمایم.

شخصی که خباز و نانواى میدان میر بود گفت: آقا چرا مضطربى و در عقب چه كسى مى گردى؟

گفتم: در فكر حاجى شیخ محمد تقى هستم كه مبادا به مسجد رود، زیرا در این هوای سرد و برف فراوان، بیابان پر از خطر جانوران است و ترس خشک شدن، از کوران و سرما است. آمدم كه او را ببینم و ممانعت از رفتن او كنم ولى هنوز وی را ندیده‌ام و كسى هم خبر از او ندارد.

نانوا گفت: معطل نشو، زیرا ایشان با چند نفر از اصحاب و طلابش به سمت مسجد جمكران رفتند. همین كه این كلام را شنیدم اضطرابم بیشتر شد با عجله به راه افتادم.

نانوا گفت: كجا شتاب مى كنى؟ گفتیم: شاید به آنها برسیم و ایشان را برگردانم یا چند نفری را با وسایل لازم با آنها بفرستم.

نانوا گفت: بیخود مرو، زیرا كه به آنها قطعاً نخواهی رسید و شاید الآن اگر به خطرى برنخورده باشند نزدیک مسجد باشند.

من بسیار پریشان شدم، و به خاطر آن شدت سرما و برفى كه متصلاً از آسمان مى بارید ترس داشتم از این كه پیش آمدی برای آنها خواهد نمود، اما چاره نداشتم، در حالى كه مضطرب و نگران بودم به خانه مراجعه كردم، اهل منزل نیز از پریشانى من، مضطرب و اندوهناك شدند.

خوابم نمى برد به دعا كردن برای ایشان مشغول بودم كه نزدیک سحر در چشمم گرمى مخصرى حاصل شده و بین خواب و بیدارى بودم، كه ملاحظه نمودم حضرت صاحب الامر عجل الله له الفرج وارد منزل

شدند و به من فرمودند: (سید مرتضی چرا مضطربی؟) عرض کردم: ای مولایم به خاطر شیخ محمد تقی، که امشب به مسجد رفته و نمی دانم بر سر او چه آمده است.

فرمودند: (سید مرتضی، گمان می کنی که من از حاج شیخ دورم، الآن به مسجد رفتم و وسایل استراحت او و اصحابش را فراهم کرده و آمدم).

از خوشحالی برخاسته و به اهل منزل که از من پریشان تر بودند بژده این بشارت را دادم. صبح زود برخاستم و برای اثبات راستی و صحت این خواب به تفحص پرداختم تا به یکی از اصحاب حاج شیخ رسیدم، به وی گفتم: دوست دارم قضیه دیشب را بازگویی.

گفت: بلی دیشب حاج شیخ ما را برداشته و در آن هوای سرد و برفی به طرف مسجد جمکران رفتیم، اما وقتی که از شهر خارج شدیم یک حرارت و شوق دیگری داشتیم به گونه ای در روی برف، از زمین خشک و روز آفتابی سریع تر می رفتیم، تا به اندک زمانی به مسجد رسیده و متحیر بودیم که شب را از سرما، چگونه به روز آوریم که ناگاه دیدیم جوان سیدی که به نظر دوازده ساله می رسید وارد شده و به حاج شیخ گفت: دوست دارید کرسی و لحاف و آتش برایتان حاضر کنم؟ ایشان گفتند: اختیار با شماست.

آن سید از مسجد بیرون رفت، اما چند دقیقه ای طول نکشید که برگشت و با خود کرسی و لحاف و منقلی از ذغال و آتش آورد، و در یکی از حجرات گذاشته و مرتب نمود. هنگام رفتن از حاج شیخ پرسید: بازهم احتیاجی هست؟

شیخ جواب داد: خیر.

یک نفر از ما اظهار داشت: ما صبح زود می‌رویم این اثاثیه را به چه کسی بسپاریم؟ فرمود: هر کس آورده خودش خواهد برد، و از نظر ما پنهان شد.

ما در تعجب بودیم که این سید چه کسی بود و اثاثیه را از کجا آورد، با این که از اینجا تا قریه جمکران رفتن و برگشتن به اندازه یک کیلو متر راه است و لا اقل برای رفت و برگشت تهیه لوازم، نیم ساعت لازم است و از طرف دیگر چند ساعت از شب گذشته و هوا هم سرد، و برف هم در حال باریدن بود، تا صبح در این فکر بودیم، و عاقبت اثاثیه را همانجا گذاردیم و آمدیم و هنوز هم در همان فکر هستیم.

به او گفتم: من می‌دانم که آن سید جوان چه شخصی بود، آنگاه داستان اضطراب و خواب خود و فرمایش مولایم را برای او بیان کردم، و گفتم که از خانه‌ام بیرون نیامدم مگر برای این که راستی و صحت خواب خود را ببینم، و الحمدلله که دیدم و فهمیدم که مولایم از این مرد شریف غافل نیست.

لازم به یادآوری است که مرحوم شیخ محمد تقی بافقی در تعمیر ساختمان قدیمی مسجد و احیاء و رونق دادن به آن، سهم به سزایی داشته، و مقید بوده است که شهای جمعه با جمعی از طلاب متدین و وارسته به آنجا مشرف شده و تا صبح به مناجات با قاضی الحاجات و انس با مولا و آقای خود حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پردازد.

فهرست مطالب

۱- ظهور و قیام امام زمان

- ۲- عنوان اول: وقت ظهور- ۱۲ روایت ۱
- ۳- عنوان دوم: علامات ظهور امام زمان ۱۳
- ۴- عنوان سوم: علامات ظهور عام و وضع دگرگون شدن عالم- ۴۰ روایت ... ۱۹
- ۵- عنوان چهارم: علامات حتمیه ظهور امام زمان (ع) پنج است ... ۷۷
- ۶- عنوان پنجم: هنگام ظهور و قیام (۲۰ روایت) ۸۹
- ۷- تاریخچه مسجد مقدس جمکران و اعمال در آن ۱۰۷